

# واقع بینی و روشن نگری در درک خطر امپریالیسم آمریکا باید با تامین اتحاد کلیه نیروهای انقلابی تکمیل شود

امپریالیسم آمریکا بزرگترین دشمن انقلاب ایران و مولود آن جمهوری اسلامی ایران است. امپریالیسم آمریکا منافع عظیمی را بواسطه انقلاب ایران از دست داده است و برای بازگرداندن آن منافع از هیچ تلاش، جنایت و توطئه‌های فروگذار نمی‌کند. تمامی امپریالیستهای اروپای غربی، ژاپن و دولت‌های دست‌نشانده امپریالیسم، متحدان امپریالیسم آمریکا و زیررهنبری آن در توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران مشارکت دارند.

امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن انقلاب ایران، برگرد کشورها، حلقه‌ای از کانونهای توطئه برای تربیت مزدور، کشیده و نیروهای نظامی خود را در پایگاههای اطراف ایران و دریاهای نزدیک ایران متمرکز ساخته است، تا در لحظه مناسب بر انقلاب ایران ضربت مهلک وارد آورد.

امپریالیسم آمریکا از طریق جاسوسان سیا، که بطور مخفیانه وارد ایران شده‌اند، و نیز وسیله بقیه در صفحه ۲

## سیم آخر...

هشیار باشیم که مبادا جو مورد نظر برای تضعیف مواضع جمهوری اسلامی را ایجاد کنند.  
بسر نوشت انقلاب بیاندیشیم، زیرا «نامه» قطب زاده آنرا مورد مخاطره قرار میدهد.

بقیه در صفحه ۲

### دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود «اشغال دفاتر گروهها و بعضی از روزنامهها و...» را توسط «اشخاص متفرقه»، «خلاف مقررات جاری و محل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی... مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم» دانسته است.

### دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود گفته است که «این قبیل اعمال مطمئناً بیانه خوب و زمینه مساعدی است که ضد انقلاب زیر پوشش آن نیت و افکار و نقشه‌های خود را عملی سازد.»

### دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود یادآور شده است که «اینگونه اعمال جز هرج و مرج ثمره دیگری نخواهد داشت.»

### دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود تأکید کرده است که «لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد، که به خیال و وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی می‌زنند، بشدت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت.»

### دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود متذکر شده است که «اماکنی که تاکنون به طریق یاد شده تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان کل کشور و یا دادستانی انقلاب اسلامی ویا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.»

### دادستان کل کشور

در مصاحبه خود گفته است که «حمله به گروهها در خط امام نیست.»

با توجه به اطلاعیه و مصاحبه دادستان کل کشور

### ما می پرسیم:

آیا کسانی که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه مردم در تهران و دفاتر حزب ما را در شهرستانها اشغال کرده‌اند، و محرکین اشغال لکران، میتوانند خود را «انقلابی»، «مسلمان متعهد» پیرو خط امام و تابع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدانند؟

آیا کسانی که حتی پراز اطلاعیه دادستان کل کشور به دفاتر و کتابفروشی‌های حزب ما در برخی از شهرستانها حمله کرده‌اند، اعلان جنگ آشکار به جمهوری اسلامی ایران نداده‌اند؟

چرا امروز پس از اطلاعیه دادستان کل کشور دفاتر حزب ما و دفتر نامه مردم، همچنان در اشغال «اشخاص متفرقه» است؟

چرا کسانی که خلاف مقررات جاری عمل کرده‌اند، محل امنیت قضائی اند، موجب تضعیف ارگانهای مملکتی شده‌اند، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم عمل کرده‌اند، برای ضد انقلاب بیانه خوب و زمینه مساعد فراهم کرده‌اند تا زیر پوشش آن بتواند نیت و افکار و نقشه‌های خود را عملی سازد، با اعمال خود هرج و مرج ایجاد کرده‌اند، و در خط امام نیستند، دستگیر و مجازات نشوند؟

ما در انتظار پاسخ مقامات مسئول

کشوریم

## چرا قراردادهای موجود امپریالیستی افشا و لغو نمی شود

مردم انقلابی ما برآورده ساخت و بدین ترتیب فرصتی طلایی را از دست داد. سیاست "گام به گام" دولت مهندس بازرگان، که تعطیل و سازشجویی دوویزگی بارز آن بود، نه تنها آهنگ روند انقلاب را شتاب بخشید، بلکه از یک سو در زمینه داخلی، به انباشت و افزایش عوامل ناراضی کمک کرد، و از سوی دیگر در زمینه خارجی، امید امپریالیستها را، برای بازیافت سنگرهای از دست رفته‌اش در ایران، برانگیخت و بدینسان عملاً شرایط هجوم ضدانقلابی آنها را علیه جمهوری اسلامی ایران در مراحل بعد تسهیل کرد.

مادرستونهای "نامه مردم" و دیگر نشریات و بقیه در صفحه ۲

لغو قراردادهای امپریالیستی یکی از شرایط بنیادی رهایی از قید وابستگی و تامین استقلال راستین کشور است

در هفته‌ها و روزهای گذشته، بویژه پس از یادآوری مسامحه‌کاریها و سازشجویی‌های دولت موقت و ضرورت انقلابی عمل کردن توده‌های مردم و دولت آینده از سوی امام خمینی، بحث وسیعی درباره کارنامه "دولت موقت" در رسانه‌های گروهی درگرفته است. می‌توان گفت که بخش قاطبی از نیروهای انقلابی این نتیجه گیری دیرینه حزب ما را یادآور گشته‌اند که، "دولت موقت" خواستهای لحظاتی تاریخی پس از پیروزی انقلاب و انتظارات

## حجت الاسلام خامنه‌ای: یک توپنه عظیم در سطح مملکت با هدایت عمال اجنبی در خارج از کشور در حال تکوین است

دو چیز بیش از همه احتیاج دارند یکی امنیت و دیگری رفاه. اتفاقاً دو چیز بسیار مهمی هم هستند.... امروز مردم ما احساس و احتیاج میکنند اولاً به یک امنیت کامل چه در مرزها چه در مناطق دور دست از تهران و چه در خود تهران. امنیت است که، بوسیله ضد انقلاب در این یک سال و نیم عمداً بر هم زده شده و خدشه دار شده است.

و سپس رفع بیکاری، رفع گرسنگی، رفع بیکاری، رفع گرانی و ایجاد کار و اشتغال و کار آفتاب صنعت. می بینیم که دو مسئولیت بسیار مهم بر دوش این دولت است. و مردم این ها را می خواهند. این دولت چه باید بکند؟

این دولت باید از تمام نیروهای که در این جامعه وجود دارد از شور انقلابی از رهنمود امام، از کمک مردم، از دست اندر کاری افراد دلسوز، از همه شیوه‌ها استفاده کند تا این دو منظور و دو خواسته را بتواند تامین کند. توطئه ضد انقلاب از همین جا شروع میشود. ضد انقلاب سعی می‌کند که نگذارد این منظور اصلی مردم که دور کن اصلی سعادت جامعه از لحاظ مادی هم هست تا مین بشود.

حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران در خطبه‌های نماز جمعه دیروز، ضمن تأکید بر ضرورت تشکیل کابینه‌ای انقلابی و همگون و ضمن هشدار دادن نسبت به توطئه‌های دشمن از جمله گفت:

از او (نخست وزیر) بنام مردم طلب نمی‌کنیم که کابینه خود را هم بچنانکه امام در رهنمود خود فرمودند، بگذرد و انقلابی و همگون و همکار انتخاب کنند.

همانطور که در روز عید فطر گفتیم، یک توطئه عظیم در سطح مملکت با هدایت عمال اجنبی در خارج از کشور در حال تکوین است.... ما امروز نشانه‌ها و شواهد این توطئه را داریم می بینیم. ما باید از ملت و دولت مجموعاً بر روی هم یک واحد مستحکم بوجود بیاوریم که بتواند در مقابل تمام این توطئه‌ها مقاومت بکند.

اگر ملت و دولت پایه یا دست به دست و دوش به دوش در راه این انقلاب با هم حرکت نکنند و همکار نباشند یقیناً ضد انقلاب پیروز خواهد شد.

وی سپس با اشاره به نیازهای مردم و وظایف دولت در قبال آن گفت: «در حوزه» نیازهای مادی مردم به



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۸  
شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹، تک شماره ۱۵ ریال

## پشتیبانی شوروی از انقلاب اسلامی ایران

رادپومسکو اتحاد شوروی از نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایران از این انقلاب پشتیبانی کرده و می‌کند. اتحاد شوروی دسیسه‌های دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیستها و صهیونیستها را فاش می‌سازد. کشور شوروی، صرف نظر از اینکه چه مواعی در راه حسن همجواری شوروی و ایران بوجود آید، همیشه این سیاست را در مورد ایران دنبال خواهد کرد.

پشتیبانی از راه حق ملت‌ها و مبارزه ضد امپریالیستی و ملی آزادیبخش آنان اصل بنیادی سیاست خارجی شوروی است.

حمایت اتحاد شوروی از انقلاب ایران و پشتیبانی از خواست عادلانه ملت‌های خاور نزدیک در مورد خروج نیروهای اسرائیل از تمام سرزمین‌های اشغالی اعراب، منجمله از بیت المقدس، موید این امر است.  
(به نقل از کیهان، ۲۳ مرداد ۵۹)

## همکار یهای نظامی و فعالیت‌های توطئه گرانه رژیم‌های وابسته در منطقه

دیدار ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان و صدام حسین دیکتاتور رژیم بعثی عراق از عربستان سعودی، نمایانگر نزدیکی و گسترش همکاریهای نظامی رژیم‌های وابسته ضد خلقی در منطقه است، که طبق رهنمودهای امپریالیسم آمریکا و باهدف فراهم کردن زمینه تشکیل اتحادیه سیاسی- نظامی از رژیم‌های دست‌نشانده و وابسته به آمریکا، برای رویارویی با جنبش‌های انقلابی خلقها و کشورهای مستقل طی در این منطقه انجام می‌گیرد.

امپریالیسم آمریکا پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در میهن ما و پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان، که موجب تحولی شگرف در اوضاع سیاسی و نظامی منطقه گردید، بر آن شد که در دو جهت به ترمیم و تقویت مواضع سیاسی و نظامی خود در این منطقه بپردازد، تا موقعیت مسلط خود را در منطقه، که در نتیجه پیروزی این دو انقلاب متزلزل گشته، جبران کند.

امپریالیسم آمریکا ضمن تقویت پایگاههای نظامی خود در دیگو گارسیا در اقیانوس هند، پایگاه مصیره در عمان و تاسیسات و پایگاههای نظامی در عربستان سعودی و پاکستان، به ایجاد پایگاههای نظامی جدید در سومالی، کنیا و مصر پرداخت و گسترش حضور نظامی خود در آبهای اقیانوس هند، تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان را به مقیاس بیسابقه‌ای رساند. این فعالیتها باهدف استراتژیکی - نظامی آمریکا به مقیاس جهانی و همچنین برقراری و تقویت کنترل نظامی بر اوضاع منطقه، جهت پیاده کردن طرحهای توطئه ارائه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بقیه در صفحه ۲

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### واقعی بینی و...

دیگر عمل پنهان و آشکار خود، شبکه وسیع سیاسی و نظامی برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان داده است.

امپریالیسم آمریکا با همکاری جنایتکاران بعثی و صدها مزدور از ایران گریخته، در صدد هجوم به کردستان و خوزستان و بلوچستان و تجزیه ایران است...

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا پایان ندارد و در صورت عدم مقابله جدی با آنها، هر حلقه توطئه، خطرناکتر و گسترده‌تر از حلقه پیشین به مرحله عمل درمی‌آید. در این کارزار مرگ وزندگی، از امپریالیسم آمریکا نباید هراسید و یافریب خورد، بلکه باید با قاطعیت و جدیت، بی‌تزلزل و تردید، تا به پایان رشته‌های وابستگی به این جهان‌خوار سفاک را قطع کرد، مزدوران آنرا بی‌محایا قلع و قمع نمود و به پیش رفت. توقف، ترس و عقب‌نشینی در حکم مرگ است...

تجربه تلخ، افت و خیزهای ۱۸ ماهه پس از انقلاب ایران، بوضوح امپریالیسم آمریکا را در چنین ابعادی به توده‌های مردم و مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران شناسانده است.

حزب توده ایران بخود می‌بالد که در افشای یکایک این خصایص و ویژگیها، که عدم توجه به هر یک از آنها، خونهای بسیاری از بیکرانقلاب ایران به زمین ریخته و ضربات جدی بر جمهوری اسلامی ایران وارد ساخته است، نقش مهمی ایفا کرده و از همان ابتدا امپریالیسم آمریکا، این هشت پای توطئه‌گر، خون‌آشام و دام‌گستر را، همانطور که هست، ترسیم کرده است.

واقعیات ۱۸ ماهه اخیر، مشت تزویر بسیار کسان را، که آگاهانه برده برواقعیت، فوریت و جدیت خطر امپریالیسم آمریکا می‌کشیدند و می‌کوشیدند تا انقلاب را به راه سازش با این دشمن سفاک بکشانند، گشود، اذهان نیروهای صدیق را روشنی بخشید و این واقعیت را با برجستگی خاص به نمایش گذارد که هرگونه تزلزل و انحراف در مبارزه ضد امپریالیستی، هر گونه بی‌توجهی به نقش متحدین و دست‌نشانندگان امپریالیسم آمریکا در پیشبرد توطئه‌های این امپریالیسم، و هرگونه مسامحه در مورد پالایش نهادهایی که از دوران تسلط رژیم منقر سلطنتی بجامانده و احتیاج به دگرگونی عمیق و بنیادی دارد، جز بسود اهداف این دشمن غدار، که همانانهدام کامل انقلاب ایران است، یاری نمی‌رساند.

آنها که می‌کوشیدند تا آمریکا را "نترسانند" و در حقیقت کمک کردند تا امپریالیسم آمریکا حلقه توطئه خود را برگرد انقلاب ایران محکم‌تر سازد، بطور عمده از مقابل انقلاب به کنار رانده شدند.

آنها که می‌کوشیدند تا همدستان توطئه امپریالیسم آمریکا، یعنی امپریالیستهای اروپای غربی و ژاپن را "مستقل" و دوست انقلاب ایران بنمایانند و آنها که از روی ناآگاهی به این دروغ بزرگ باور می‌کردند، به کنار رانده شدند و یا آگاه گشتند.

آنها که رژیمهای دست‌نشانده و سرسپرده‌ای چون ضیاءالحقها و قابوسها را، که پایگاه‌های توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران هستند، "مترقی" و "مستقل" می‌نمایانند و با آنها در کنفرانس‌های آمریکا فرموده شرکت میکردند، افشا شدند. آنها که تبلیغ می‌کردند ارتش بطور کامل در خط انقلاب قرار دارد و کلیه عوامل و سرسپردگان امپریالیسم و رژیم شاه سابق در درون آن پس از انقلاب یا "توبه کرده‌اند و یا تصفیه شده‌اند، در برابر ۷ توطئه‌ای که تاکنون در ارتش کشف شده، اجباراً مهرسکوت بر لب زدند.

تجربه ۱۸ ماهه انقلاب، اندک‌اندک ویژگی‌های اصلی خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب را که امپریالیسم آمریکا را شیطان بزرگ میدانند و خواستار جمع کلیه نیروها و متوجه ساختن کلیه سلاحها علیه آن است، آشکار ساخت و به پیش برد و خطوط جعلی و انحرافی را در انتظار توده‌ها و مسئولان بی‌اعتبار ساخت و گامهای موتری در جهت طرد آنها برداشت.

خوشبختانه ۱۸ ماهه پس از انقلاب و رنج‌ها و خونهای ناروایی که بواسطه عملکرد امپریالیسم و عمل آن و ناآگاهی‌ها و ندانم‌کاریها بر مردم کشور ما تحمیل گشت، بیهوده نگذشت. اکنون تجارب گرانبهای از این دوران بر تلام و سرشار از توطئه حاصل آمده‌است که بر ارجح‌ترین حاصل آنها، موضع گیری قاطع و صریح مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران در مقابل این دشمن بزرگ انقلاب ایران و تمامی بشریت آزادی خواه و استقلال طلب و درک صحیح آنها از ویژگیهای اساسی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

آقای بنی صدر رئیس جمهور در این مورد میگوید: "باتوجه به اطلاعاتی که در دست است و با توجه به علائمی که پیش و بعد از انقلاب از سیاست آمریکا در ایران تقبیح کرده‌ایم، برای من محرز است که سیاست آمریکا در ایران در جهت اعاده"

وضع سابق سیر می‌کند... می‌بینیم که (انظر آمریکا) امروز باید در جهت سیر کند که به اضمحلال قدرت مرکزی بیانجامد، یعنی حاکمیت دولت از بین برود و زمینه پیدایش رژیم مطلوب سیاست آمریکا فراهم شود...

سیاست آمریکا انهدام انقلاب ماست. (از مصاحبه مطبوعاتی ۶ اردیبهشت ۵۹) حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، نیز در مورد موضع کنونی جمهوری اسلامی ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا می‌گوید:

"امروز روز برخورد قاطع ما با بر قدرت آمریکا است. مساله ما با آمریکا، بالاتر از نداشتن تفاهم و دوستی است. اگر سال گذشته دولت ما و مسئولان امر ما دچار رودریاستی هم با آمریکا بودند، امروز دیگر ملت ما هیچگونه رودریاستی با بر قدرت ظالم آمریکا ندارد. این یک تحول اساسی در مسائل ایران است و مسائل ایران به وسیله این موضع قاطع در مقابل بر قدرت آمریکا بصورت مسائل حاد یک انقلاب ضد امپریالیستی درآمده و ما اگر روایطمان را با آمریکا به این صورت قاطع قطع نمی‌کردیم و سینه سینه آن قدرت ظالم ستمگر نمی‌ایستادیم، یقیناً امروز انقلاب ما از مسیر خود منحرف شده بود. امروز ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و همه نیرویستاده‌ایم... ما امروز در صحنه بین‌المللی با وجود همه فشارهایی که آمریکا و دولتهای هم‌پیمان و همفکر دست‌نشانده اش در اروپا و آفریقا و جاهای دیگر... روی ما می‌آورند، فاتح و پیروز ما هستیم نه آمریکا... و ما این راه را پیش خواهیم رفت و این خط را تا آخر ادامه خواهیم داد."

(۲۱ مرداد ۵۹، خطبه‌های نماز عید فطر) حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، نیز در مورد امپریالیسم جنایتکار آمریکا و موضع آن در مقابل انقلاب ایران می‌گوید:

"ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودیها دست از سر ملت ما بر نمی‌دارد. ما آماده مقابله هستیم." (از مصاحبه مطبوعاتی در محل مجلس، ۲۵ مرداد ۵۹) و مرتضی رضائی سرپرست سپاه پاسداران می‌گوید:

"احتیاط توطئه (دیگر) خیلی زیاد است. یعنی ما همین حالا احتیاط می‌دیم که... مدتی دیگه توطئه باشد... آمریکا و اسرائیل و بلوک غرب شدت منافع فراوانی را از دست داده‌اند که می‌خواهند اینها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق استقرار یا ایجاد یک رژیم وابسته به آنها در منطقه خاورمیانه و اوم در ایران که مجاور با شوروی است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است واقیانوس هستند..." (از مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ مرداد ۵۹)

این سخنان اساسی‌ترین ویژگی خط امام، یعنی خصلت ضد امپریالیستی آنرا بیان می‌کند و نشان می‌دهد که این ویژگی اساسی از جانب بالاترین مسئولین جمهوری اسلامی ایران درک میشود، امری که بسیار نویدبخش و شادی برانگیز است و از نشانه‌های مطمئن برای ادامه و گسترش مبارزه استقلال طلبانه مردم ایران، حکایت می‌کند. وقتی مسئولان چنین باروشن بینی و درایت دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را می‌شناسند، طبیعی است که از زیانهای ناشی از عدم شناخت خطر واقعی و اصلی و طی طریق درگمراهها، شدت کاسته می‌شود و انقلاب مطمئن‌تر و با خطرات و زیانهای کمتریسوی هدف اصلی خود، که همانا کسب استقلال کامل و قطع وابستگی‌های اسارت‌بار به امپریالیسم است، پیش می‌رود.

اما این روشن بینی و درک صحیح خطر اصلی و واقعی که انقلاب ایران را تهدید میکند، اگر با شیوه صحیح مقابله با این خطر، همراه نگردد، ناکافیست.

دشمن اصلی و واقعی امپریالیسم جنایتکار آمریکاست، که به همراهی جبهه جهانی سرمایه، از متحدین اروپائی و ژاپنی گرفته تا رژیمهای دست‌نشانده و "محمدرضاهای" چون ضیاءالحق، قابوس، سادات، دمیرل، خالد و... و نیز نیروهای مدافع خویش در درون کشور، از مزدوران ساواک گرفته تا سرمایه‌داران بزرگ، زمینداران کلان و... با تمام قوا در صدد نابود کردن انقلاب ایران است. برای مقابله با توطئه عظیم این جبهه وسیع باید وسیعترین نیروها را، که حاضرند علیه امپریالیسم آمریکا و بسود انقلاب ایران عمل کنند، فراهم آورد و در مقابل جبهه وسیع دشمنان انقلاب ایران، وسیعترین نیروهای مدافع انقلاب ایران را بسیج کرد. باید در مقابل تدارکات و تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای جمع آوری نیرو در عرصه جهانی علیه انقلاب ایران، به جمع آوری نیرو بسود انقلاب ایران پرداخت و تمامی نیروهای ضد امپریالیست، صلحدوست و ترقیخواه جهانی را به یاری طلبید و در عرصه داخلی در مقابل جبهه مشترک جنایتکاران توطئه‌گر ساواک و سیا و موساد، سازشکاران، سرمایه‌داران و

### چرا قراردادهای...

اسناد حزبی پیوسته درباره پیامدهای منفی و خطرناک چنین سیاستی هشدار داده‌ایم و بحث‌های کنونی نشان می‌دهد که دیگر پشتیبانان صادق انقلاب نیز با ما هم‌آویند.

در اینجا تنها یکی از نمونه‌های زیان‌بار و متاسفانه بارز سیاست تملق و سازشجویی "دولت موقت" را در زمینه سیاست خارجی، یادآور می‌گردیم، که در بحث‌های جاری کم‌تر به آن توجه شده است.

همه کس می‌داند که یکی از حیاتی‌ترین رشتن‌های وابستگی هم‌جانبه رژیم شاه سابق به امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا را قراردادهای اسارت‌نظامی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل می‌دادند. امپریالیستها از این قراردادهای برای جپاول منابع ثروت ملی ما، سلطه بر سرنوشت سیاسی ما، انهدام فرهنگ ملی ما و تحمیل سیاست تجاوزکارانه خویش علیه همسایگان و جنبش‌های آزادیبخش منطقه استفاده می‌جستند.

بسیاری از این قراردادهای درست به علت سرشت نواستعماری، تجاوزکارانه و جپاولگرانه‌شان محرمانه بودند و رژیم شاه سابق با استتار آنها میخواست ماهیت دست‌نشانده خود را پنهان سازد.

بنابراین مردم ایران، پس از سرنگونی رژیم دست‌نشانده و پیروزی ۲۲ بهمن، بحق انتظار داشتند که نه تنها متن این قراردادهای انتشار یابد، بلکه الغای مواد ضدمیهنی و استثماری آنها بیدرنگ اعلام گردد. اما دولت مهندس بازرگان از چند مورد بنویسه خود مهم، مانند ترک پیمان "سنتو"، لغو برخی قراردادهای خرید کالاهای تسلیحاتی، که بگذریم، نهمه انتشار متن و نه به الغای حدود هزار قرارداد دیگر میان رژیم سرسپرده شاه سابق و دولت‌های امپریالیستی اقدام کرد. برعکس، دولت موقت کار را به آنجا کشانید، که با سخنگوی

### همکاریهای نظامی

دمکراتیک افغانستان، بمنظور براندازی رژیمهای حاکم در این دو کشور و تضعیف مواضع کشورهای عضو جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل انجام میگیرد.

جهت دیگر فعالیت‌های نظامی و توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا در این منطقه در زمینه نزدیک کردن روابط و گسترش همکاریهای سیاسی و نظامی میان رژیمهای وابسته و دست‌نشانده و ایجاد اتحادیه سیاسی-نظامی از این رژیمها صورت می‌گیرد.

پیروی این رژیمها از سیاست آمریکا و مواضع خصمانه آنان در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و انقلاب

زمینداران بزرگ، که بسود امپریالیسم و در جهت تحقق توطئه‌های شیطانی آن عمل می‌کنند، وسیع-ترین جبهه ممکن را از کلیه نیروهای ضد امپریالیست و مدافع انقلاب فراهم آورد. در مقابل سیاست "واقع بینانه" دشمن، که همانا گردآوری وسیعترین نیروهای ممکن علیه انقلاب است، باید واقع بینانه وسیعترین نیروهای ممکن بسود انقلاب را بسیج کرد. ایجاد تفرقه میان نیروهای خلق، دامن زدن به بدبینیها و تحریک و درگیریهای ناروا میان این نیروها، از عدم درک خطر اصلی و واقعی امپریالیسم آمریکا ناشی می‌شود و به زیان انقلاب و بسود توطئه‌های دشمن است.

خطر آمریکا جدیست. آمریکا با انقلاب ایران سرسوخ ندارد، بلکه صریحاً خواستار انهدام آن است.

خطر آمریکا فوری است. حلقات توطئه‌های آمریکا، که یکی از دیگری خطرناکتر و گسترده‌تر است، بی‌دری آشکار می‌شود و در پی شکست هر توطئه، توطئه بزرگ‌تری بسرعت تدارک می‌شود.

امپریالیسم آمریکا اکنون توطئه بزرگ دیگری را سازمان می‌دهد و در صدد تجزیه ایران است. خطر آمریکا باقیست. تا دست امپریالیسم آمریکا گاملا از کشور ایران کوتاه نشده‌است، تا جمهوری اسلامی ایران کلیه پیوندهای وابستگی خود را به امپریالیسم قطع نکرده است و تا مزدوران امپریالیسم بگلی نابود و قلع و قمع نشده‌اند. و تا سر این مار زخم خورده کاملاً با سنگ عملکرد متحد کلیه نیروهای مترقی و انقلابی کوبیده نشده است، خطر این دشمن آشتی ناپذیر باقیست.

برای مقابله با خطر جدی، فوری و باقی امپریالیسم آمریکا باید متحد شد.

"امروز زمانی نیست که برای هر چیزی در مقابل هم بایستیم، زیرا دشمنی وقیح و وحشی در کمین داریم. (از سخنان حجت الاسلام خوئینی‌ها در نماز وحدت ۱۶ خرداد ۵۹)

هارترین جناح محافظ امپریالیستی آمریکا، یعنی برزیل‌سکی، به گفتگو نشست و، در بهترین حالت، تنها مسئله "تجدیدنظر" در این قراردادها را مطرح کرد.

خوشبختانه "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"، متکی به اراده اکثریت قاطع مردم ایران و پشتیبانی امام با اقدام انقلابی خود به سیاست گام به گام پاسخ گفتند و سازشکاری "دولت موقت" را ترمز کردند. یکی از پیامدهای مثبت این رویداد تحمیل لغو قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا در آخرین لحظات به دولت موقت بود.

سیاست عدم انتشار و الغای قراردادهای اسارت‌نظامی "دولت موقت"، در بر تظاهراتی که مهندس بازرگان همین چند روز پیش در توجیه عدم تحویل دولتش به "بنجه درینجه انداختن ابرقدرتی چون آمریکا"، کرد، قابل اغماض نیست، ولی با توجه به دیگر تملق و سازشجویی‌های دولت او طبیعی می‌نماید.

پس آنچه طبیعی نیست، ادامه همین سیاست از سوی محافظ دولتی است، که هم‌چنان به سکوت خود درباره متن قراردادهای آریامپری-امپریالیستی ادامه می‌دهند و علیرغم تشدید هم‌جانبه توطئه‌های نظامی و تحریم‌های اقتصادی امپریالیسم آمریکا و یاران غارتگر و رژیم‌های دست‌نشانده‌اش، گامی در راه انتشار و اعلام لغو این قراردادهای بر نمی‌دارند. در حالیکه مبارزه پیگیر علیه سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم تنها هنگامی قابل تصور و میسر است که بر پایه کوشش هم‌جانبه برای قطع وابستگی‌های اسارت‌نظامی گذشته استوار باشد.

ما امیدواریم که دولت آینده این امر را در صدر برنامه سیاست خارجی خود قرار دهد. در چنین صورتی نه تنها یکی از آرزوهای دیرینه انقلابیون ایران برآورده خواهد شد، بلکه همچنین یکی از شرایط بنیادی رهائی از قید وابستگی و تامین استقلال راستین کشور ما نیز فراهم خواهد آمد.

### بقیه از صفحه ۱

فلسطین و سایر جنبشهای آزادیبخش منطقه، مبنای مساعدی است برای توسعه روابط و همکاریهای میان آنان و تشکیل یک اتحادیه سیاسی و نظامی از آنان. طبق همین برنامه است که در دوران اخیر در روابط میان عربستان سعودی، پاکستان، مصر، عراق، سومالی و کنیا نزدیکیهای چشمگیری صورت می‌گیرد و همکاریهای نظامی میان این کشورها گسترش می‌یابد. عربستان سعودی، که به علت ماهیت ضد خلقی رژیم حاکم بر آن، مورد اعتماد کامل جهان امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا است، و از سوی دیگر ثروت‌های نفتی هنگفتی در اختیار دارد، در این اتحاد و همبستگی میان رژیمهای دست‌نشانده و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند.

این نقش عربستان سعودی قبل از هر چیز در قبول بخشی از اعتبارات هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی است، که در اختیار مصر و پاکستان گذارده می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان، پاکستان به مرکز توطئه و تحریکات امپریالیسم آمریکا و چین علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل گردید. در خاک پاکستان اردوگاههایی برای دستجات و گروههای ضد انقلابی افغانی تشکیل شد. مستشاران نظامی و ماموران "سیا" آمریکا، باتفاق مریدان نظامی چینی و پاکستانی، گروههای تروریستی افغانی را در این اردوگاهها آموزش می‌دهند و جهت عملیات تروریستی و خرابکاری به خاک افغانستان میفرستند.

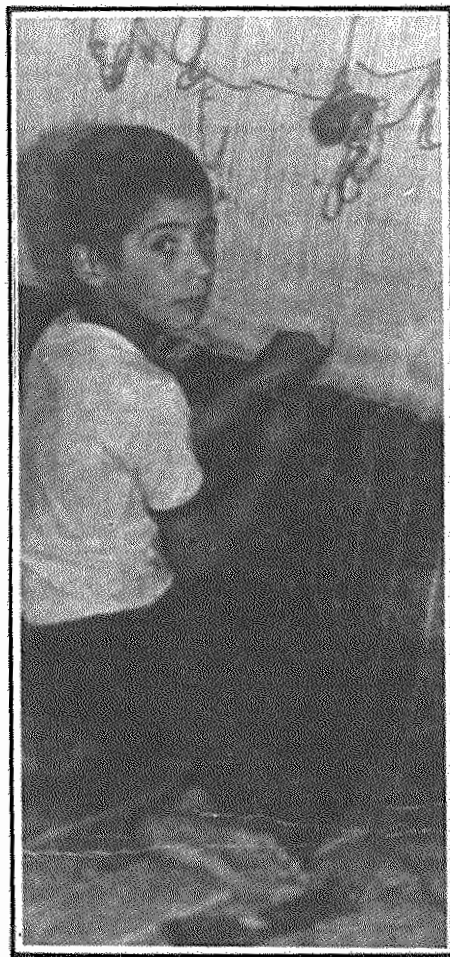
بر اساس همکاریهای نظامی میان پاکستان و عربستان سعودی، بخش اعظم هزینه ایسن اردوگاهها و گروههای ضد انقلابی افغانی از جانب عربستان سعودی تامین می‌شود.

دولت بعثی عراق در توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مرکز تجمع سازماندهی افسران فراری گارد، ساواکیها و دیگر عناصر و گروههای ضد انقلاب تبدیل شده و این گروهها جهت تجاوز به خاک ایران در نواحی مرزی عراق با ایران استقرار یافته‌اند. نیروهای مسلح عراق به تجاوزات هوایی و زمینی خود به نواحی مرزی ایران ادامه داده، دامنه این عملیات تجاوزی را گسترش میدهند.

منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه ایجاب می‌کند که جهت شکست توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جبهه متحد رژیمهای دست‌نشانده آن در منطقه، روابط و همکاریهای خود را با کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و جنبشهای ملی در منطقه هرچه بیشتر گسترش دهند. کشورهای مستقل ملی منطقه موظفند بر پایه منافع مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد خلقی وابسته به آن، جبهه متحد ضد امپریالیستی خود را استحکام بخشند و تمام توطئه‌ها و طرحهای مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا و متفقین منطقه‌ای آنرا محکوم به شکست سازند.



# کودکان قالیباف مقان تبریز: مارا از استثمار نجات دهید!



مقان بخشی است در ۴۰ کیلومتری تبریز، که قریب ۱۲ هزار نفر جمعیت دارد. شغل اصلی اهالی کشاورزی و دامداری است، ولی قالیبافی نیز در این بخش از رونقی به سزا برخوردار است.

در این بخش نزدیک به ۱۰۰ کارگاه قالیبافی وجود دارد، که در هر کدام از ۲ تا ۱۰ نفر مشغول بکارند، کاری طاقت فرسا با حداقل دستمزد. بیشتر کارگران این کارگاهها را کودکان ۸ تا ۱۶ ساله تشکیل میدهند که به علت فقر و بی چیزی، عسدم تاء مین هزینه زندگی از طرف پدر خانواده و صدها علت دیگر، به این مکانها کشیده شده اند و چه بسا این کودکان تاء مین کشنده مخارج یک خانواده بزرگ اند.

حیب یکی از این کارگران است، که می گوید: ۱۴ سال دارم حدود ۴ سال است که قالی می بافم. روزی ۲۰ تومان حقوق می گیرم به کمک پدرم خرج خانه را تاء مین می کنیم حیب به علت این که خرج خانواده را تاء مین می کند، نتوانسته راهی به مدرسه پیدا کند و در نتیجه به این مکانها بی تنگ و تاریک و نور کشیده شده است.

از این قبیل کودکان در این کارگاهها بسیارند. محمد می گوید ۱۵ سال دارم و ۴ سال است که قالی می بافم. روزی ۲۰ تومان می گیرم. با کمک پدرم خرج خانواده را تاء مین می کنیم و به همین علت هم نتوانستم به مدرسه بروم.

گذشته از این کودکان، که هنوز سنی از آنها نگذشته، به عنوان کارگر حرفه ای بکار گرفته شده اند، تعداد بسیاری از کودکان با تعطیل شدن مدارس و فرارسیدن فصل تعطیلی برای این که اندوخته ای برای مخارج تحصیلی خویش فراهم کنند، و از این نظر کمکی باشند برای خانواده، بکار در این کارگاهها کشیده شده اند. تعدادی نیز با تحمل این کار طاقت فرسا شبها درس می خوانند.

محمد که کلاس چهارم ابتدائی را می خواند، می گوید:

"مدرسه تعطیل شد و من نیز برای اینکه مخارج تحصیلی خود را تهیه کنم و برای خود لباس بخرم، به اینجا آمدم، تا کار کنم. پدرم بیکار است. بسا این ۱۵ تومان حقوقی که می گیرم یک کمکی هم به خانواده می کنم. ساعات کار در اینجا مشخص نیست. کارگران صبح رود می آیند و غروب خسته و کوفته از کار جانفرسای روزانه راهی خانه می شوند. در این خصوص داود، که ۱۲ ساله است، می گوید:

"۲ سال است که قالی می بافم. روزی چند ساعت کار می کنم، معلوم نیست. معمولاً صبح ساعت ۶ می آیم و عصر می رویم، چند ساعت میشود، نمیدانم حمید ۸ ساله اصلاً نمیدانند روزانه چند ساعت کار می کند. فقط می گوید: "به پول احتیاج داریم. به بن خاطر هر روز می آیم تا کار کنم". در این کارگاه ها از بهداشت، درمان، بیمه و دیگر حقوق کارگری هیچ خبری نیست. آنچه زیاد به چشم می خورد، استثمار است، و این استثمار منحصر به کودکان نیست. کارگران دیگر نیز وضع مشابهی دارند. یوسف میگوید:

"۲۵ سال دارم ۱۵ سالن را قالی بافتم. هر چه زحمت می کشیم، ما ش به جیب سرمایه داران می رود. رای خودمان هیچ چیز نمی ماند. مثلاً بین کارگاه را آجاره کرده ایم که کار کنیم. با هزار مصیبت نخ می کشیم از انقلاب کیلویی ۳۰ تا ۴۰ تومان بود الا ۸۰ تا ۸۵ تومان می خریم و بعد از چند ماه کار جانفرسا ارباب قالی خر شده را به ۹۰۰۰ تومان از ما خرده و خود ۱۲ تا ۱۵ هزار تومان فروشد. ۱۵ سال است که مدام کار می کنم، ولی هنوز هیچ چیز در زندگی آرام، چند ماه است که اصلاً گوشت نپزیده ام. دیگر حتی مزه اش را هم فراموش می کنم. از ساعت ۶ صبح آیم و تا ۶ عصر بیکسار می کنیم. شته از این، انواع امراض دچاریم. لا خودم چشمانم درد گرفته است. از به درمان هم که خبری نیست. در قان هم که اصلاً دکتر نیست، فقط بهداری وجود دارد، که آنهم درست حسابی کار نمی کند. اگر کسی مریض د، باید برود تبریز. وظیفه دولت

# تجربه امپریالیسم به اومی آموزد: برای درهم شکستن یک انقلاب نخست باید آن را منفرد کرد

با خود آن عمل اصلی بی ارتباط نبوده است. البته بدون خیال پردازی بلیسی زاهد، باید این مطالب را کشف کرد و از تاریخ درس و عبرت گرفت. (۲) دست دوم عملیات، عملیاتی است که "در داخل دژ"، در داخل انقلاب دایره انقلاب و بنام انقلاب انجام می گیرد.

در انقلاب ما سه نیرو باشند و ضعف مختلف، شرکت داشته اند و دارند. نیروی مسلمانان مبارز، لیبرالها و نیروهای چپ. لذا صلاح است که در داخل همه این نیروها رخنه شود و از موضع هر نیرو سخنانی گفته شود و اقداماتی صورت گیرد، که بتواند انقلاب را ضعیف و بدنام کند. این نیروها را که از درون انقلاب آن را تضعیف می کنند، "عقب داران" ضد انقلاب مینامیم زیرا "جلو داران" (امثال آموزگار، انصاری، ازهاری شریف امامی، اویسی، شاپوربختیار) نتوانستند با بازی های "فضای باز سیاسی" و "سویال دمکراسی" "حکومت نظامی" (و در همه حال با توسل به کشتار جمعی) جلوی سیل توفنده انقلاب را بگیرند. همچنان و شور و شوق و شجاعت انقلابی مردم دمدم بیشتر و بیشتر شد، و تمام زمانیکه توانست قدرت استبداد را سرنگون کند، بختیار را براند و پرچم جمهوری اسلامی را به اهتزاز در آورد. در این حال دیگر نقش جلو داران به صفر بدل شده بود می بایست عقب داران به صحنه بیایند.

سیر انقلاب تا کنون جمعی از این عقیداران (مانند امیر انتظام، دریا دار علوی، حسن نژی، مقدم مراغهای، دکتر متین دفتری و غیره)

را از صحنه فعالیت کما بیش خارج کرده، ولی مگر تعداد آنها ده تا صد تا است؟ این عقیداران ضد انقلاب (لیبرالها و مائوئیستها و مسلمان نمایان) خطری بمراتب بزرگتر از خود آن ضد انقلابی هستند، که به لندن و پاریس و لوس آنجلس پناه برده و با در مرز عراق عرض اندام می کنند. اینها بعنوان انقلابی "شش اش" که قصداً و تعمداً "بهترین انقلابیون را بسنه انواع همتها می متهم می کنند، مواضع گرم و نرمی را در رژیم اشغال کرده اند. در حکومت مصدق، چه اندازه زاهدی ها و بقائی ها و مکی ها دور و برمصدق را گرفته بودند؟

روزی خواهد رسید و این بخش از نقشه ضد انقلاب، که انرامی کوشند "فوق العاده سری" نگاه دارند (و ابداً سری هم نیست) برای همگان از برده بدر می افتد. ما چون نمایی خواهیم بهتان گو باشیم، صوریم ولی زمان برده در بیکار نیست. سر انجام این انقلاب هر چه باشد، این برده بر داشته خواهد شد و سر دار اسدها و بفرم خانها و بقائی ها و مکی های این انقلاب نیز به مردم ایران معرفی خواهند گردید.

آنوقت خواهیم دید که دوستان و دشمنان انقلاب را باید یا به دشمنان سر سخت امپریالیسم و عمل آشکارومخفی آن تقسیم کرد، یا با ملاک ها و مقیاسها من در آوردی و خدعه گرانه دیگر.

دارند، نجات دهند. در این شرایط که کشور ما دچار "محاصره اقتصادی" امپریالیستها است، و به تولید بیشتر نیاز دارد، تاخیر در این کار، ضربه زدن به انقلاب است.

در آغاز موفقیت انقلاب ایران، مجله "امریکائی نیوزویک" بر اساس یک تجربه گهنه و امتحان شده امپریالیستها (خصوصاً در کشورهای آمریکا لاتین) نوشت که، در مورد انقلاب ایران نیز باید گذاشت تا آتش شورها بتدریج سرد شود، آنوقت باید سعی کرد تا مردم نسبت به انقلاب بسی تفاوت شوند وقتی از آن روگردان گردند، در این حالت اگر کودتائی شود، آبی از آب خواهد جنبید.

امریکا هر انقلابی را که خواست بوسیله یک کودتاسرنگون سازد، ابتدا در مبتذل کردن و رسوا کردن آن کوشید. سعی کرد رهبران انقلاب را بدنام کند. سعی کرد بین انقلابیون تفرقه بیاندازد سعی کرد از مشکلات اقتصادی برای ناسا راضی کردن مردم استفاده کند. سعی کرد تا خود مشکلات اقتصادی و دشواریهای فراوانی در زندگی روزمره مردم بوجود آورد، سپس همه را بیای انقلاب بنویسد. سعی کرد به اسم انقلاب و از دهان کسانی که گویا طرفدار انقلاب هستند، حرفهای زده شود و کارهای انجام گیرد، که مردم را از انقلاب بری سازد، تا همه بگویند: "سه سه بار نه بار از این انقلابی که کرده ایم بشیمان شده ایم".

تمام این نسخه های حکیم فرموده در مورد مصدق، سوکارنو، آلینده، آرینس، مجیب الرحمن، عبدالکریم قاسم، جمال عبدالناصر و غیره بکار رفت و حالا جمع کل آن نسخه ها، ضربدر ده، دارد در کشور ما پیاده میشود و امپریالیسم آنچه را که با تجربه کرده است و تا مائو "ثبات زدائی" و "کودتا سازی" است، در کشور ما بکار میبرد.

معمولاً این عملیات ضد انقلابی به دودسته تقسیم میشود: (۱) "عملیات خارج از دژ" انقلاب، یعنی عملیاتی که مستقیماً ضد انقلابی است و امتحان روی خودش است.

اقداماتی مانند محاصره اقتصاد، مسدود کردن اعتبارات ایران، قطع رابطه سیاسی با ایران، حمله هوایی طبس، تقویت ضد انقلاب ایرانی در مهاجرت و ایجاد مراکز ضد انقلابی در درواشگتن و پاریس و لندن و اسلام آباد قاهره و بغداد، آشکار کردن رادیوها و روئنامه های ضد انقلابی، تربیت نظامی افراد ایرانی ضد انقلابی در عراق و عمان و عربستان سعودی، آوردن ناوگان جنگی و نیروی هوایی به دریای عمان، ترتیب توطئه های کودتائی و تنظیم نقشه نابود سازی میلیونها برای تائمین سلطه مجدد آمریکا و غیره. مجریان این نوع عملیات، بیرون از دایره انقلاب عمل می کنند. فهرستی که ما دادیم، بسیار ناقص است. جا دارد یک فهرست کامل از این عملیات (که بمبگذارها و تروررها و ایجاد حوادث خونین در شهرهای مختلف ایران نیز از همان نوع است) تهیه شود. این کار نه فقط از جهت سندیت تاریخی ضرور است. این کار از جهت بررسی نگرده "نیز ضرور است و میتواند چشم ما را بر روی خیلانی چیزها باز کند. مثلاً بسیاری اعمال در آستانه تجاوز طبس و در آستانه توطئه کودتائی ۱۸ تیر روی داده، که

## کشت دهقانان اطراف گر مسارد در معرض نابودی است

کشاورزان قراء اطراف گر مسارد تا بحال چندین بار به فراموشی و بیخنداری این منطقه، جهت رسیدگی و کمک به آنان و رسم پاشی آفات کشاورزی مراجعه کرده اند. اما برخلاف قول های مساعد مقامات، تا بحال هیچ گونه کمکی به آنان نشده است. هر وقت هم که کشاورزان به آنجا مراجعه می کنند، فرماندار نیست. لازم به تذکر است که اکثر مزارع گندم، که با آفت سن مواجه گشته اند، در حال نابودی هستند. مشکل دیگر روستائیان، قیمت گندم است، که دهقانان خواستار قیمت بیشتری هستند.

ادارات مسئول دولتی موظف هستند که هر چه سریعتر محصولات دهقانان را، که در معرض نابودی قرار داشته و احتیاج به سهامی

است که به درد ما برسد. اکبر، یکی دیگر از کارگران، می گوید:

هر چه زحمت می کشیم، به جیب ارباب می رود. مصالح و مواد اولیه را از ارباب می خریم، و آنها تیریز گران می فروشند. قالی بافته شده را نیز تحویل آنها می دهیم. ما خودمان حق فروش نداریم.

در اینجا از سندیکا و شورا خبری نیست. اصلاً اکثر کارگران هنوز بسا این واژه ها آشنائی ندارند و با اینکه سندیکا قالیباقان آذربایجان شرقی تشکیل شده است، ولی هنوز به علت عدم تماس، این کارگران نتوانسته اند در آن متشکل شوند.

تمام این کارگاهها تقریباً "وضع مشابهی دارند. وارد هر کدام که بشویم با کودکان نحیف و رنجور، با صورتی رنگ پریده، ناشی از انواع امراض روبرو میشویم. کودکانی که سراسر روزشان شب است. کودکانی که جوانی را پشت سر گذاشته پیر میشوند. کودکانی بی خبر از جهان سرشار از شادی کودکان. به قیافه هایشان که بتگریم، ستم سالها استثمار به خوبی از چهره های معموشان به چشم میخورد.

چشمان به گود نشسته و بی فروغشان حاکی از دنیای عظیم فقر و بی چیزی است. دستان کوچکشان قبل از اینکه با مداد آشنا گردد، به ناچار با "ایلمک" مائو نویسی دردد و بدینسان تمامی رنج زندگی را، با این سن کم، با همه وجود حس می کنند. این را می توان از حرفهایشان، نگاه هایشان، و خواسته هایشان بخوبی دریافت.

بیخود نیست که وقتی از حسین و راضیه و ابوالفضل، دو برادر و یک خواهری که در ارتباط با این رنج حاکم، میز مدرسه را با دار قالی عوض کرده اند، می پرسیم: از انقلاب و دولت چه انتظاری دارید؟ ابوالفضل، که ۱۰ سال بیشتر سن ندارد، می گوید: "تاید، مابون، گوشت، جنس ارزان و..."

با هر کدام که حرف بزنیم، چشم به گسترش دستاورد های انقلاب دوخته اند. چشمها منتظرند، تا انقلاب تمام این نشانه های سالها سلطه امپریالیسم و کارگزاران داخلی را هر چه زودتر از زندگیشان محو کند. آنان منتظرند تا همچنان که انقلاب در کشورشان بوقوع پیوست، به زندگیشان نیز راه پیدا کند. آری وظیفه دولت است که دریچه امید را به روی این سازندگان فردا بگشاید. نباید گذاشت نور امید به آینده که در چشمان این به غم نشنگان دیده میشود، به یاس مبدل گردد. انقلاب میتواند و بایست به درد این محرومان پایان بخشد.

برقرار باد اتحاد  
همه نیروهای ضد امپریالیستی  
و دمکراتیک ایران  
در جبهه متحد خلق

کاخ بیدار بیدار بیدار کنیم  
خانم حزب لاگتیم آباد  
کمک به خانه حزب  
ارسلان از تنگ دره ۳۰۰۰ ریال  
یعقوب پور ۱۰۰۰۰ ریال

### مرتضی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران:

# احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است

همونطور که امام گفت، میرن روزنامه شروع میکنن به خوندن و کارهای مردم را عقب انداختن و ایجاد شایعه درست کردن، تبلیغات علیه روحانیت و آخوندها، علیه سپاه، علیه جهاد، همه نهادهای انقلابی و علیه جمهوری اسلامی سعی می‌کردن در مجموع هم از نظر داخلی و هم از نظر خارجی زمینه‌هایی پیدا بکنن تا روزی مثل نوزده تیرماه گذشته که کودتا بکنن و با اون زمینه‌های خودشون مردم ناراضی، توجیه سیاسی فراهم شده، از داخل و در خارج از کشور هم تبلیغات به اندازه کافی کردن و هم آهنگ با کشورهای غربی بتونن یک حکومت وابسته به آمریکا و اسرائیل را دوباره در ایران حاکم کنن. ... و اگر ارتش اسلامی بخوایم درست بکنیم باید این دمل‌های چرکین را که در زمان رژیم در این بدنه بوجود آمده، اینها از بین بره و پاک بشه و یک بدن سالم اسلامی برقرار بشه.

... از ۲۴ خلبان دستگیر شده، ۱۲ نفرشان کسانی بودند که کمیته تصفیه‌اونا را بیرون کرده بود و اینها را دوباره آورده بودن سرکار. این بوده که همون حرفهای غلط که میگن ما برای اینکه ارتش را تصفیه نکنیم، دست به اون کسی هم که توطئه می‌کنه نزنیم ...

... یک نمونه خیلی زنده‌ای بوده. زن یک سرهنگی آمده بود و اطلاع داده بود که شوهر من ۲ روز است که خونه نمیداد و من بدلیل اون سابقهای که از این فرد دارم، فکر می‌کنم که این باید توی یک جریانی باشه. ما رقتیم و دیدیم یک فرد خیلی مهمی بوده و اون دستگیر شد و یافرض کنیم حیدری حیدری روبره عطیاتی خلع سلاح پایگاه نوزه، که این رهبری ۱۲ تیم ۶ تا ۷ نفره را بعهده داشت، که بین ۲۰۰ نفر می‌شد، که در یک جای پایگاه جمع می‌شدن و ساعت ۱۲ شب با یک عطیاتی پارتیزانی پایگاه را فتح می‌کردن و بعد وقتی می‌رفتن دراونجا، فانتوم‌ها به حرکت درمی‌آمد. در درگیری که برادران ما قبلا دراونجا مستقر شده بودن، در بیرون و برادران ارتشی در داخل پادگان در سراسر پایگاه را برادران ارتشی گرفته بودن و جاهای حساس را مواظبت می‌کردن. این در جلوی پایگاه که دیگری میشه، بین برادران سپاه و حیدری و این فرار می‌کنه، فرار می‌کنه در توی دهات و ۵۰ - ۶۰ کیلومتر پیاده روی می‌کنه همون شبانه به سمت پشت پایگاه نوزه و میره دراونجا و خوشبختانه مردم ما آماده و قبلش برادران ما توجیه کرده بودن دهات را شبانه، که یک عده آمریکایی‌ها و افراد وابسته به رژیم می‌خوان کارهایی بکنن اینها با چماق و اسلحه همیشگی‌شان آماده بودن. همین که اینها آمده بودن توی ده، دورش حلقه زده بودن با چماق‌های‌شان ...

س: آیا واقعا زمینه کودتا در ایران وجود داره و ارزیابی شما درباره این مسئله چی هست. آیا کودتایی می‌تونه موفق بشه؟

ج: اینجا ۲ مسئله است. آیا احتمال توطئه هست؟ مسئله بعدی آیا موفق می‌شوند؟

احتمال توطئه خیلی زیاد است، یعنی ما همین حالا احتمال می‌دیم که ممکنه فرض کنیم مدتی دیگه توطئه باشه. ولی آنچه که مسلم است، هیچ کدام از این توطئه‌ها پیروز نخواهند شد. علت اینکه توطئه چرامیشه، گفتیم که آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب بشدت متافع فراوانی را از دست دادن که می‌خواهند اینها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق ایجاد یا استقرار یک رژیم وابسته به اونها در منطقه خاورمیانه و اونم در ایران، که مجاور با شوروی است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است و اقیانوس هند. بنابراین اونها تلاش خواهند کرد. حالا یک عده‌ای هم پیدا خواهند شد که فریب این تلاش‌ها را بخورند یا تطمیع بشوند یا فریب بخورند، یا توی جوخه‌های قرار بگیرند که فکر میکنند آنقدر تشکیلات اینها بزرگ است که دیگه کارتوم میشه و برن وسط دایره عطیاتی. و اونچه که مسلم است باز زیبایی‌هایی که ما کردیم، هیچ وقت این توطئه‌ها موفق نخواهند شد. همانطور که امام فرمودن اونها فرض کنین بمباران کردن. اونوقت چیکار خواهند کرد؟ باین مردم را ارزیابی کنیم ... مردم در یک خفتان شدید و تا دندان مسلح مزدوران آمریکا و اسرائیل پیروز شدند، با اینکه اونها از یک موضع بسیار مسلطی با اون سازمان اطلاعات وسیع‌اش و با اون شکنجه‌های طاقت‌فرسا، پیروز شدند ...

... سپاه بایش از ۳۵ تا ۴۰ هزار نفرالان جمعیت کمیته‌ها با بیش از ۶۰ هزار نفر، نیروهای ذخیره سپاه با بیش از ۴۰۰ هزار نفر، نیروهای بسیج ملی با بیش از یک میلیون نفر، و اکثریت برادران ارتشی معتقد ایران افرادی هستند آموزش دیده و مسلح و آماده به نبرد و پیروزی. بنابراین در یک ارزیابی مشخص ما برتری کامل داریم.

## آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب بشدت منافع فراوان را از دست داده‌اند و میخواهند اینها را دوباره برگردانند

### از ۲۴ خلبان دستگیر شده، ۱۲ نفرشان کسانی بودند که کمیته تصفیه آنها را بیرون کرده بود و اینها را دوباره آورده بودند سرکار

یا میرفتن از افرادی که تصفیه می‌شدن از ارتش یا افرادی که مسائلی داشتن، اینها را یکی یکی جدا می‌کردن از زیر اون روابط که قبلا سالهای سال در داخل ارتش باهم داشتن و با مثلا طریق پول، تطمیع، بهره‌خلبان ۱۰۰ هزار تومن پول و بهر چتر بازی در حدود ده - دوازده هزار پیشنهاد کرده بودن و به بعضی‌ها هم داده بودن. یا مثلا مسائل سیاسی را بزرگ می‌کردن و می‌گفتن ما در تمام ادارات کمیته درست کردیم و شبکه‌هایی درست کردیم و کافیه فقط اولین فانتوم بلند بشه و اگر اولین فانتوم بقول خودشان بلند میشه، مثلا اینها موفق می‌شدن و کارشون تمام میشه.

س: آیا این کارها، کار شاخه سیاسی این بوده چون اشاره کردین شاخه سیاسی و نظامی داشته این توطئه و یک مسئله این که در مورد افراد این کار را می‌کنن در سطح جامعه اینها چه زمینه‌سازی می‌کردن، چه جوری را به وجود می‌آوردن؟

ج: اینها عمدتا فعالیت‌های شان ۲ محور بود. یکی محور نظامی یکی محوری سیاسی. محور سیاسی‌اش را از همون ابتدای انقلاب شروع به فعالیت کرد. یکی در زمینه داخلی کشور یکی در خارج از کشور و واقعا اگر برادران مسلمان و یا خواهران مسلمان به خارج از کشور رفته باشند، مواجه می‌شن با یک طیف وسیع فعالیت‌های تبلیغاتی علیه انقلاب، روحانیت و رهبریت و نهادهای انقلابی، که کشت و کشتار، در مملکت راه افتاده و انسانیت را دارن از بین می‌برن و به این صورت آنروزی هم که در رابطه با کشتارهای خودشون سربوش بگذارن در داخل کشور هم به همین صورت شروع کردن به ایجاد شایعه، جعل سازی و تبلیغات بسیار وسیع. خوشبختانه در همین خونه‌های تیمی که ما از اینها گرفتیم، دقیقا اصلا ریشه‌های شایعات را مادر آوردیم. عکس‌هایی از امام مونتاز شده، به صورت کاریکاتور در آوردن روحانیون انقلابی‌ها، بصورت شکل‌های کاریکاتوری مستهجن در آوردن و یا نوشته‌هایی که نشان میده که چطور باید یک شایعه را درست کرد و شایعات را چگونه در دهان مردم بریزیم و یا بسا مسائلی از این قبیل که ... یا نوارهای بختیار که از خارج می‌آمد. اون شاخه سیاسی که محور دوم کار را بعهده داشت و بعد از انقلاب شروع کرده بود این نوارهای بختیار را پیاده می‌کردن و حتی برای بعضی از روحانیون، بعضی از افراد دیگه هم می‌فرستادن یا بعنوان نمونه از یکی از این زنانی که در اون جریانات کذاب تظاهرات زنان دستگیر شده بود، مدرکی بدست آمد که دقیقا نشان می‌داد که این وابسته به اون جریان و سعی می‌کردن باز از این ناراضی‌ها هم استفاده بکنن اینها و جدا کردنشان اینس بود که اینس ناراضی‌ها و اینس انتظاراتی که در مردم بعد از انقلاب بوجود آمده، اینها را سوق بدهند به جهت چی، به جهت مخالفت با اصل انقلاب و محتوای انقلاب و از اون شکل اصلی برخوردار اولی مردم به یک شکل اغراقی بکشانن و در نتیجه خودشون ازش بهره‌برداری می‌کنن یا بعنوان نمونه سوء استفاده از حس مبهن پرستی و اخیرا ما مواجهه شدیم با یکسری از پرچم‌های سرنگ ایران، که بدون آرم جمهوری اسلامی و بدون حاشیه الله اکبر در بین مردم پخش شده و دقیقا تبلیغ خط ملی‌گرایی و علم کردن این خط در مقابل حاکمیت اسلام، که ملیت‌گرایی در متن آن نهفته است. و در حقیقت نقش درجه اول دادن به چیز درجه دوم، که بعدا بتونن خودشون را کم کم مطرح بکنن و دقیقا بخاطر فقط مخالفت بود.

... از عواطف مردم استفاده می‌کردن و در ادارات کم کاری را بشدت تبلیغ می‌کردن و یکی از تبلیغاتشان برای کسی را که عضو می‌کردن این بود که سعی کن کم کاری کنی. یا یک مقدار این گرانفروشی نتیجه این باند بوده و این را مرتب تبلیغ می‌کردن که از وظایف سازمانی شما گرانفروشی است. یا کم فروشی و یافرض کنین- همین شایعه ساختن و یا افرادی که میرن تو ادارات،

همون یک هفته اول غائله را بخوابانن. بعد هم جناح‌های سیاسی مثل حزب ایران و بهایی‌ها و اینها می‌آمدن وسط و معرکه‌گیری و تظاهرات وسیعی می‌کردن یک خط سیاسی هم به جریان بدهند و مسئله را تثبیت بکنن. بعد نکات جالبی که در این جریان هست، مسئله زندان اوین است. در زندان اوین که محافظت‌اش به عهده گویا لشکر گارد بوده، تعدادی از این افراد که با این جریان کودتا دست داشتن، قصد داشتن که زندانی‌های وابسته به رژیم را آزاد بکنن. حتی اینها چند روز قبل از کودتا درخواست تانک و ضد هوایی کرده بودن، بعنوان محافظت از اوین. ولی در حقیقت بخاطر اینکه بعد از اینکه کودتا شروع شد، اونها در همون جا با همون ضد هوایی‌ها و با تانک و نیروهای مسلح دیگه، که بعدا بکشتن می‌آد، زندان اوین را تسخیر کنن و زندانی‌های وابسته به خودشون را آزاد و اونجا را مسلط بشن، که ما ۵ نفر را تاکنون در خود محافظین زندان اوین دستگیر کردیم، سروان آریانا، استوار دوم پرویز احمدی و ستوانیار شکرالله احمدی. در خوزستان نیز عملیات همزمان با این بود، که قرار بود نیم ساعت بعد از عملیات پایگاه همدان، قرار بود اونجا عملیات شروع بشه. چند روز قبلش لشکر خوزستان به تیپ ناحیه ۲ رزمی گفته بود که از مرز برگرد، آماده باش را لغو کرده بود و با این که ۴ روز ازین لغو آماده باش گذشته بود، هنوز اسلحه و مهمات خودشون را به اسلحه‌خانه تحویل نداده بودن، که دقیقا از فرمانده لشکر اونجا وقتی سئوال میشه که شما چگونه این مسئله ساده نظامی را نتونستین حل بکنین و این اسلحه را تحویل بگیرین. اینشون گفته بود که من تصور کردم و اشتباه کردم و از این مسائل و دشواری‌ها در شهید، در تبریز و در پایگاه وحدتیه در فولاد نیز قرار بود عملیات همزمان با اینها شروع بشه.

س: اینطوری که شما الان گفتید این طرح وسیع بوده، خوب، یک طرح وسیع احتیاج داره به آدم‌های زیادی، پرسنل زیادی داره. قدر مسلم اینها روز اولی که باهم جمع شدن، تعدادشان به این اندازه نبوده. بنابراین بایستی زمینه سازی می‌کردن برای جذب نیرو. بنابراین که این زمینه سازی به چه نحوی بوده؟

ج: البته علت اینکه اینها توی این فکر افتادن ۲ تا مسئله بود. یکی همین نیروهایی که شما گفتین گرفتن. یکی دیگه وعده‌های زیادی بود که اسرائیل و مصر و عراق و آمریکا به بعضی از رهبران اینها در خارج داده بودن و اینها احساس می‌کردن که چون اینها پشتیبان‌شان هستند و کمک‌شان می‌کنند و تقویت‌شان می‌کنن، خیالشون راحت بود که بتونن براحتی کودتا بکنن و موفق بشن. اما در رابطه با جذب نیرو. اینها دقیقا از ۸، نه ماه پیش شروع به سازماندهی کرده بودن و امام هم در بیانات پارسل شان تاکید کرده بود که باید قاطعانه عمل کرد و گذاشت که ریشه‌های سیاسی دوباره بهم دیگه پیوند بخوره و دقیقا همین طور بود. از ۸ یا ۹ ماه پیش اینها شروع کردن دوباره بهم ارتباط برقرار کردن، شروع کردن به اطلاعیه پخش کردن در سطح پادگان. شیوه‌های جذب نیرو به این صورت بوده که اونها سعی می‌کردن از بزرگ کردن مسائل در نزد پرسنل ساده و پایین و آموزش ندیده سیاسی برادران ارتشی ما حداکثر بهره‌برداری بکنن. مثلا به یکی گفته بودن که مایک سازمان اطلاعاتی و حفاظتی بسیار وسیعی داریم که تمام نقاط کشور را شناسایی کرده و هر کسی هم که از ما دستگیر بکنن ما می‌فهمیم. خود اونطرفی که الان دستگیر شده، می‌گفت من همون موقعی که مسئولیت بمباران خونه امام به من محول شده بود، همون موقع به من گفتن تو خودت پس برو شناسایی بکن و تروکی محل نقشه رابکش. این بود که من همان موقع فهمیدم که، یعنی شک کردم که اگه اینها واقعا میگن که ما یک سازمان حفاظتی و اطلاعاتی به این وسیعی داریم، پس چرا خود من را می‌فرستن که عامل اجرایی هستم، من را شناسایی می‌کنن. یا مثلاً می‌گفتن که یالیزبان یا ۷ هزار نفر مسلح آماده است در لب مرز که هر آن وارد عمل شویم. اون میاد داخل و کار را تمام می‌کنه. یا می‌گفتن عراق چندین تانک در اختیار یک سرهنگ قرارداده، یا مصر چندین هواپیما در اختیار سرلشکر امیرفضلی قرارداده و یا می‌گفتن عشایر بختیاری و ممسنی بویرا احمدی بلوچ همه اینها با ما همکاری کامل کردن و بعضی اینکه ما حمله را شروع کنیم، اینها می‌آوردن و در صحنه میشن در مقابل یکی از اینها که گفته بود، خوب، شما این همه مردمی که میریزن تو خیابانها، اونها را چیکار می‌کنین. اینها گفته بودن که مردم دنباله‌رو حوادث‌اند و اگر ما بتونیم کشتار راه بیاندازیم، مردم می‌ترسن و دیگه نمیان وسط و دقیقا این رسوایات همون تفکرات طاغوتی هنوز تو ذهنشان بود که همین فکر را هم ساواک و اون حکومت نظامی می‌کرد، که اگر ما بکنیم جلوی مسائل گرفته میشه.

آقای مرتضی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران، در یک مصاحبه تلویزیونی، که در تاریخ ۱۷/۵/۵۹ از سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد، نکات مهمی را در مورد توطئه نافرجام کودتای ۱۸ تیرماه فاش ساخت. وی از جمله گفت:

" این کودتایی که بعدا خدمتتان شرح میدیم، حزب ایران فعالیت‌های سیاسی بعد از کودتا را بعهده می‌گیره (تا) دقیقا زمینه توجیه و جافانیدن مسئله کودتا را برای مردم ایجاد بکنه و در حقیقت نقش همون حزب رسواخیزی که قبلا در زمان شاه مخلوع فراری بود، بعهده بگیره. بعد هم تشکیلات پان ایرانیست‌ها که تعدادی از افراد فعال دستگیر شده و توارزی که معرفی کردیم، اینها جزو حزب پان ایرانیست هستند. از همه مهم تر حیدری که رهبر عملیات خلع سلاح پایگاه نوزه بود. این مسئول آموزش نظامی افراد وابسته به حزب پان ایرانیست بوده و دقیقا این گروه‌ها باهم یک طیف بزرگی را تشکیل می‌دادند که از سوسیال دموکرات‌ها گرفته تا افراد همین طور وابسته به شاه سابق، مسئله‌های که اینها مهمه خصوصیات مشترک این گروه‌ها است. خصوصیات این گروه‌ها عمدتا رو مخالفت و ضدیت شدید با اسلام و روحانیت و کنار زدن رهبران مذهبی از صحنه سیاسی و همون شعار معروفی که در زمان شاه می‌دادند که، آره مذهب باید گاردینی خودشو بکنه و سیاست راهم باید به سیاستمداران واگذار کرد، یا استفاده از شعارهای عوام‌فروبی، از جمله این که ارتش باید بازسازی بشه، یا این که شعار جلوگیری از تجزیه ایران می‌دادند. حال این که خودشون نقش فعالی که تا این اطلاعات را بعدا می‌دیم در جاهایی که الان دارن تجزیه می‌کنن نقش فعالی داشتن اینها و یا مخالفت اساسی با نهادهای انقلابی جهاد، سپاه و کمیته‌ها که بسیار مشهود بوده در مسائل‌شان ...

... آمریکا و اسرائیل اومدن یک تاکتیک کوتاه مدت نظامی زندن و اومدن از یک شخصیت بنام سپهبد آریانا استفاده کردند و یک شورای سه نفری از آریانا، اویسی و بختیار تشکیل دادند و در حقیقت وحدت تاکتیکی بین بختیار و اویسی و سپهبد آریانا است که توانسته اونها را برای همین کودتا باهم هم‌آهنگ بکنه ...

س: در مورد هدیه‌های کودتا و اونها چی می‌خواستن بکنن در صورتیکه موفق شدن منتشر شده، اما می‌خواستن از ربون شما سیر دقیق کودتا را بشنویم.

ج: در عین حال که واقعا این مسئله، کودتا یک کار احمقانه‌ای بوده، ولیکن مسئله بسیار وسیع بوده و عملیات از پایگاه نوزه شروع می‌شد. بعد از اینکه پایگاه خلع سلاح می‌شد، محقق می‌رفت اونجا و فرماندهی نیروی هوایی را به عهده می‌گرفت. فانتوم‌ها به پرواز درمی‌آمدند و مواضع حساس کشور را بمباران می‌کردند. بعد از این، رادیو تلویزیون، فرودگاهها و محلهای حساس دیگر تصرف می‌شد. از افراد نظامی و غیر نظامی زهینی، هوایی، دریایی و حتی عواملی که در خود اون ادارات داشتن، دقیقا افرادی بودن در خود رادیو تلویزیون و قرار بود از داخل با اونها همکاری بکنن. بعد از این اینها با هواپیماها بالای پادگان می‌رفتن و هواپادگان‌ها که پشتیبانی نمی‌کرد، از این جریان، اونجا را بمباران می‌کردن و قرار بود که همزمان با آغاز پرواز هواپیماها، یعنی طرح به این صورت بود که عملیات داخل با عراق هماهنگی شده بود و در خارج از کشور یک نماینده دولت عراق در نزد بختیار و بختیار یک نماینده ای در عراق داره نزد دولت عراق، که اینها باهم دیگه کار-های همدیگه را هم‌آهنگ می‌کنن. در داخل، مسئول هماهنگی، سرهنگ پنی عامری یا احسان بود. بعد ساعت ۱۱ شب، هواپیماهای میگ‌های عراقی بلند می‌شدن و کشور را بمباران می‌کردن. اینها به این عنوان که می‌خواهند برن و اونها را سرکوب کنن، بلند می‌شدن و برعکس بجای غرب راهی تهران و قم می‌شدن و مواضع حساسی را که بعد میگم، قصد داشتن بمباران کنن. بعد که این کارها می‌شد، یالیزبان، که در ضمن در خط بختیاره، برخلاف بعضی از تصورات، این با اون افراد چریکیایی که فرار کردن قبلا یا از جاهای دیگه آمدن، تعدادی اسرائیلی هستن، عراقی هستن، اینها که خود اونها البته غلومی کردن، هفت هزار نفراند. ولی ما حدس می‌زنیم بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر آماده کردن در عراق. اینها از مرز روبروی کرمانشاه وارد ایران می‌شدن و سعی می‌کردن خودشون را به تهران برسونن. برای اینکه بتونن نیروهایی را که رادیو تلویزیون و جاهای دیگه را تصرف کرده، اونها را تقویت بکنن. بعد از این جریان، بلافاصله حکومت نظامی اعلام میشه و افراد بسیار زیادی را می‌گرفتن و کشتار وسیعی می‌کردن، که در ضمن



اهمیت پرورش دام برای رشد تولید، خودکفائی و اقتصاد سالم.

علل رکود دامداری و مسئله ناهمگونی واحدهای تولیدی.

لزوم برخورد مشخص و متفاوت با انواع مختلف دامداران.

دامپروری در ایران یکی از رشته‌های مهم تولیدی کشور است، که مانند صنایع کشاورزی نیاز شدیدی به دگرگونی عمیق دارد.

تحول و برنامه‌ریزی در اقتصاد کشاورزی و رشته‌های وابسته به آن، بدون شناخت دقیق مسیر تکاملی آن‌ها در گذشته امکان‌پذیر نیست.

این امری است که نه فقط با سیاست اقتصاد کشاورزی رابطه دارد، بلکه در زندگی روزمره میلیون‌ها مردم ایران و تغذیه آنها و بودجه خانوادگی آن‌ها تاثیر مستقیم و محسوس دارد.

برای ایجاد تحول و دگرگونی لازم در شرایط پرورش دام، باید خصلت گذشته آرا درک کرد و زخم‌های عمیق این نوع تولید را، که بیکر مجموع تولید اجتماعی را مانند خوره می‌خورد، شناخت و بر اساس این شناخت، داری لازم را برای التیام تجویز کرد.

شکل‌های دامداری و دامپروری در ایران و نحوه پرورش دام، مانند تولید در رشته‌های دیگر کشاورزی و در صنایع یکدست و همگون نیست.

صرف‌نظر از معیارهای نام برده، تفاوت کیفی در روابط استعماری تولید، از استعمار سرمایه‌داری تا اشکال مختلف استعمار ماقبل سرمایه‌داری، نشان‌گر عدم هم‌گونی این واحدهای تولید و تفاوت در درجه رشد نیروهای مولده در این بخش از تولید و روابط تولیدی ناشی از آن است.

بنابراین، دامداران کوچک (سنتی) و دامداران متوسط، با مشکلات فراوانی روبرو هستند. دامداری سنتی در زمان شاه‌سابق به علت عدم حمایت دولت و آزادی عمل دامداران بزرگ صنعتی برای بالا بردن تولید خود و بلع قسمت اعظم منابع مالی و اعتباری به شکست محکوم شد و بخش قابل توجهی از دامداران کوچک از حیطة تولیدکنندگان دام خارج شدند.

دامداران بزرگ با تمرکز هرچه بیشتر سرمایه و وسایل تولید و توزیع با دست‌های باز به چپاول پرداختند.

دامداران متوسط، که نسبت به دامداران سنتی از امکانات بیشتری برخوردارند، خود با مشکلات فراوانی در زمینه تولید روبرو هستند.

کرد، عبارتند از:
\* ملی کردن واحدهای بزرگ و صنعتی، کنترل سیاست تولید در جهت حفظ و تثبیت بازار فروش دام، تامین نیازهای مصرفی و بکاربردن وسایل و امکانات در جهت رشد دامداری کوچک و متوسط، تبدیل واحدهای بزرگ به مراکز تقویتی و تجهیزکننده واحدهای متوسط.

\* کمک به رشد دامداری متوسط، تجهیزتولید با وسایل مدرن و هم‌زمان با آن نظارت بر سیاست تولید، کاربست شیوه‌های درست و علمی و استفاده از خدمات دام پزشکی،

\* دادن اعتبار و تجهیزتولید دامداری‌های کوچک برای رشد سطح تولید و تکامل تولید به سطح دامداری متوسط. جستجو در عمل، تا بهترین و کارآمدترین شکل تولید تعاونی در آنجا که محصول عمده محصول دامی است پیدا شود.

در کنار کمک‌های مادی و اقتصادی به دامداران کوچک و متوسط، باید برای حفاظت از دام‌ها و نگاهداری دام خدمات دام پزشکی را تقویت کرد و با تعیین سیاستی منطبق با نیازهای رشد و تکامل دامداری، دام پزشکی را طبق برنامه‌های دقیق از نو سازمان داد.

چگونگی اجرای طرح خدمات دام پزشکی

گام‌هایی که برای تحقق این امر حیاتی و مهم برمی‌داریم، باید حساب شده و دقیق باشد. برای سازمان‌دهی خدمات پزشکی، یک بررسی عمیق از وضع موجود و شرایط عینی پرورش دام ضروریست.

برای بررسی دقیق از وضع موجود دامداری، باید به نکات زیر توجه شود:

۱- آمار: برای تهیه آمار می‌توان از امکانات انسانی و سی جهاد سازندگی، سوراها ده، مامورین فنی دام پزشکی و دام پروری و مروجین کشاورزی استفاده کرد.

۲- بدین ترتیب باید برای هر دامدار یک کارت آمار تهیه شود، که در آن تعداد دام‌ها، میزان زمین زراعتی قابل کشت برای تهیه علوفه و تعداد اعضاء خانواده درج گردد. آمارگیری بهتر است در فصل زمستان انجام شود.

۳- تقسیم‌بندی کشور به مناطق سردسیر، گرمسیر، معتدل، مناطق بیلاقی و قشلاقی محسوس (مانند کرمانشاه، لرستان، کرمان، خراسان) و منطقه گیلان و مازندران.

۴- شناخت مناطق عشایر و آشنایی با مسیر عشایر و زمان بیلاقی و قشلاق،

۵- آشنایی با فرهنگ و سنن دامداران و عشایر و کاربرد آن در آموزش آنها.

۶- شناسایی و استفاده از تجربیات کادریهای فنی و افراد ذیصلاح، که از نقاط مختلف زندگی کرده باشند و با آشنایی با محیط می‌توانند تجربیات جمع‌آوری شده را در خدمت تجهیز دام پزشکی بگیرند.

۷- تعیین امکانات موجود موسسات دولتی از نظر پرسنل قابل استفاده و وسایل مورد نیاز و ساختمان‌ها و تجهیزات.

بعد از تهیه مقدمات کار، باید عملیات اجرایی برای به ثمر رساندن وظایف زیرین آغاز گردد:

۱- آموزش: تجربه نشان داده است که می‌توان برای دامداران کوچک و سنتی و عشایری یک دوره آموزشی ترتیب داد، زیرا آنها خود تا حد قابل توجهی خدمات بهداشتی دام پزشکی را به عهده خواهند گرفت. این دامداران، که توسط گروه‌های آموزش

دام پزشکی آموزش می‌بینند، می‌توانند تا حد بیش‌گیری و رعایت بهداشت اولیه، مانع مرگ و میر و خسارت‌های ناشی از عدم وجود بهداشت دام شوند.

آموزش دامداران از سویی تا حد زیادی هزینه‌های دام پزشکی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر در هر واحد دام پروری، به‌طور مستمر، بهداشت اولیه حضور خواهد داشت.

آموزش دامداران سنتی برای پیش‌گیری از نفوذ و شیوع بیماریهای دامی و رعایت بهداشت در واحدهای کوچک پرورش دام بسیار ضروریست. بدین ترتیب دامداران سنتی، بعد از طی آموزش خود، مبدل به کادریهای محلی می‌گردند و می‌توانند خود در حفاظت از دام‌ها نقش با اهمیتی ایفا کنند.

آموزش دامداران تا کنون در برخی از استان‌ها، از جمله کردستان و لرستان، انجام شده است، به‌طوری که در لرستان اداره دام پزشکی موفق شد ۲۰۰ نفر را با آموزش فنی و بیش از ۵۰۰۰ نفر را با آموزش ابتدایی آشنا کند.

بخش‌های آموزش‌های دام پزشکی برای عشایر کوچنده مفید است و آنها را از خدمات دام پزشکی در سطوح اولیه خودکفا می‌کند. در طی این آموزش‌ها می‌توان برای تلقیح مصنوعی و تشخیص آبتنتی آموزش داد.

تجهیز فنی ایجاد تاسیسات و تجهیز فنی واحدهای تشخیص بیماری و همچنین واحدهای مجهز برای تهیه و نگاهداری علوفه برای رشد دامداری ضروری است.

برای ایجاد تاسیسات دام پزشکی به‌طور وسیع و سازمان یافته و متمرکز در سطح استان‌ها و شهرستانها و شهرهای کوچک در خدمت تسرع امر

نسخه‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

برورش طیور مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

برورش طیور در ایران متأسفانه کماکان همراه با هرج و مرج خاصی انجام می‌گیرد، که یادگار دوران شاه سابق است. مرغ‌داری‌ها (مخصوصاً گوشتی) بی‌رویه گسترش می‌یابند و در نقاطی که برای دامداری (گاوداری و یا گوسفندداری) مساعد است، پرورش طیور انجام می‌گیرد و حتی زمین‌های قابل کشت و مناسب برای تولید کشاورزی مبدل به مرغ‌داری می‌شوند، و این امر دقیقاً در رکود کشاورزی تاثیر می‌گذارد. باید برای پرورش طیور مکان‌های مناسب را انتخاب و تعیین کرد و بدین ترتیب خسارات به دامداری و کشاورزی را تنزل داد.

برای مرغ‌داری و پرورش طیور باید: ۱- برنامه صحیح پرورش طیور، همراه با ایجاد سردخانه و کشتارگاه و بسته‌بندی و کارخانه‌های تولیدکننده دان در مناطق مختلف تدوین و اجرا شود. در این‌جا طبعاً باید شرایط جوی و امکانات زراعتی در نظر گرفته شود.

۲- ایجاد شرکت‌های تعاونی مرغ‌داری در هر استان برای تدوین برنامه مرغ تخمی و یا گوشتی در خدمت برآورد کردن نیازهای منطقه باید ایجاد شود. این شرکت‌ها هم‌چنین مدیریت تولید و توزیع را به عهده می‌گیرند و می‌توانند برای حفاظت و بهداشت طیور، با دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی و مراکز دام پزشکی ارتباط برقرار کنند.

توجه به نکات ذکر شده می‌تواند در خدمات دام پزشکی نقش تعیین‌کننده ایفا نماید. با ایجاد تحرک در خدمات دام پزشکی و انطباق آن با نیازهای اقتصادی کشور، گامی مهم در راه بهبود دامداری ایران برداشت.

معتمدنکه بعلت وجود زمینهای بسیار زیاد، این تحریکات توسط افراد سرسپرده و مشکوک شده‌باشد، تا با ایجاد تفرقه، کشاورزان را از زیرکشت بردن زمینهای طاغوتیان منصرف کند.

بجاست که زارعین با اتحا خود دوطئه معتقدند که بعلت وجود زمینهای بسیار زیاد، این تحریکات توسط افراد سرسپرده و مشکوک شده‌باشد، تا با ایجاد تفرقه، کشاورزان را از زیرکشت بردن زمینهای طاغوتیان منصرف کند.

بجاست که زارعین با اتحا خود دوطئه معتقدند که بعلت وجود زمینهای بسیار زیاد، این تحریکات توسط افراد سرسپرده و مشکوک شده‌باشد، تا با ایجاد تفرقه، کشاورزان را از زیرکشت بردن زمینهای طاغوتیان منصرف کند.

بجاست که زارعین با اتحا خود دوطئه معتقدند که بعلت وجود زمینهای بسیار زیاد، این تحریکات توسط افراد سرسپرده و مشکوک شده‌باشد، تا با ایجاد تفرقه، کشاورزان را از زیرکشت بردن زمینهای طاغوتیان منصرف کند.

بجاست که زارعین با اتحا خود دوطئه معتقدند که بعلت وجود زمینهای بسیار زیاد، این تحریکات توسط افراد سرسپرده و مشکوک شده‌باشد، تا با ایجاد تفرقه، کشاورزان را از زیرکشت بردن زمینهای طاغوتیان منصرف کند.

این گروه از تکنسین‌ها باید: ۱- از فرزندان کشاورزان و یا دامداران باشند. ۲- ملزم به زندگی در ده و یا همراهی با عشایر در هنگام کوچ گردند.

در حال حاضر می‌توان تعداد هزار نفر از این افراد را سالیانه آموزش داد و به نقاط مختلف گسیل کرد.

کمک مالی

کمک‌های مالی برای رشد دامداری کشور بسیار ضروریست. ولی پرداخت این کمک‌ها باید زیر نظر دقیق، بطور جدی و با تعیین ضوابط و اولویتهایی انجام گیرد، که هرگونه حیف و میل و یا سرمایه‌گذاری در امور دیگر را از قبل غیرعملی سازد.

دادن وام بدون بهره و علوفه فقط باید به دامداران و عشایری که نام آنها ثبت شده است و مورد تایید شورای محلی هستند، پرداخت شود. اقساط بازپرداخت بانک را باید به صورت محصولات کشاورزی و دامی نیز پذیرفت، تا از این طریق نیز دامداران از حمایت دولت برخوردار شوند و ضامن توزیع و تضمین برای فروش محصول تولید شده داشته باشند. ضامن توزیع دام اصلاح شده از جمله کمک‌هایی است که به ویژه در برخی مناطق، مانند بوشهر، کردستان، سیستان و بلوچستان ضروری و براهیمت است.

هم‌چنین یکسان کردن قیمت داروهای دام پزشکی و علوفه در تمام مناطق کشور و جلوگیری از هر گونه سوءاستفاده می‌تواند در بهبود وضع دامداری تاثیر بسزایی داشته باشد.

تدارکات برای شناسایی بیماری‌ها

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

برورش طیور

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. همچنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

ضرورت تحول در دامداری و دامپروری و راه‌های آن

روستای «خلج یهود کالمیروز» در مرودشت

۷ سال پیش زمینهای اطراف این روستا بعلت بستن سد زریبار قرار گرفت. با توجه به سهمی که هرزارع داشت، به آنها غرامت پرداخت شد و در نتیجه زارعین از زمینهای خود رانده شدند. یکی از خرده مالکان، که زمینهایش زیر آب نرفت از دادن سهم خود به جنگلیانی خودداری کرد و مدت چندسال با مقامات مربوطه

درگیری داشت. بر قسمتی از اراضی منطقه غلامرضا، برادرشاه سابق جنگ انداخت. در رژیم گذشته مسئولین اجازه کشت به خرده مالک مذکور را ندادند و در نتیجه این زمینها (۴۰ هکتار) عا طل ما نسد. مقداری از زمینهای اطراف این روستا، که توسط اداره جنگلیانی درختکاری شده است، متعلق به غلامرضا پهلوی بود که در حال حاضر عنا صرطا غوتی و ووا بستگان به دربار رژیم گذشته، دهقانان راجان هم انداخته و شروع به تحریک کرده‌اند تا جایگه آب را بروی هم‌بسته‌اند و در نتیجه حیوانات خانگی و مرغان و ماکیان تلف شده‌اند. همه دهقانان به دادگاه انقلاب شاکي شده‌اند. بعضی از اهالی

معتقدند که بعلت وجود زمینهای بسیار زیاد، این تحریکات توسط افراد سرسپرده و مشکوک شده‌باشد، تا با ایجاد تفرقه، کشاورزان را از زیرکشت بردن زمینهای طاغوتیان منصرف کند.

دهقانان کم زمین و بی زمین!
باتشکیل کمیته‌های خود و باتکیه به پاسداران متعهد و افراد لوسز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و شما اجر اشود

# همکاریهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی با کشورهای در حال توسعه

تاکنون در کشورهای در حال توسعه، با همکاری فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی، واحدهای صنعتی ذوب آهن با ظرفیت تولیدی متجاوز از ۳۰ میلیون تن فولاد و جدن احداث گردیده و از آنها بهره برداری می شود.

ظرفیت تولید نیروی برق مجموعه نیروگاههایی که با کمک کشورهای سوسیالیستی در این کشورها ساخته شده، بیش از ۱۶ میلیون کیلو وات ساعت برق است.

با کمکهای فنی و شرکت کارشناسان کشورهای سوسیالیستی، تاکنون در کشورهای در حال توسعه ۲۵۰ واحد صنعتی، ۲۳۰ پالایشگاه نفت و واحدهای صنعتی پتروشیمی احداث شده و از آنها بهره برداری می شود.

شماره مجموع واحدهای تولیدی که با همکاریها و کمکهای فنی کشورهای سوسیالیستی در کشورهای در حال توسعه ایجاد گردیده، به چهار هزار می رسد. کارشناسان کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی، در زمینه های اکتشاف و استخراج منابع طبیعی نیز به کشورهای در حال توسعه کمکهای ارزنده ای می کنند.

در زمینه پرورش کادر و کارگران متخصص تاکنون متجاوز از ۷۰۰ هزار کارگر و استاد کار از کشورهای نواستقلال دوره های آموزشی فنی را، که بوسیله کارشناسان کشورهای سوسیالیستی در این کشورها تشکیل شده است، طی کرده اند، و علاوه بر این، بیش از ۴ هزار هنرآموز و دانشجو از کشورهای در حال توسعه در هنرستانها و دانشکده های فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی بطور رایگان تحصیل می کنند.

گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی کشورهای در حال توسعه با کشورهای سوسیالیستی، مبنای استقلال اقتصادی این کشورها را استحکام می بخشد و به مبارزه این کشورها در راه برقراری نظام نوین و برابر حقوق بین المللی در روابط اقتصادی و بازرگانی با دول امپریالیستی مساعدت می کند.

همکاریهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی با کشورهای در حال توسعه، طبق قراردادهای و موافقتنامه های میان این کشورها انجام می گیرد، که در آنها اصل داوطلبی و اصول برابری کامل حقوق، احترام متقابل به حق حاکمیت و استقلال، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و سود متقابل بطور اکید رعایت می شود. این قراردادهای و موافقتنامه ها به هیچگونه شرط و تعهد سیاسی مشروط و مفید نیستند، و همین اصول، نمایانگر تفاوتهای ماهوی کمکهای اقتصادی و همکاریهای فنی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال توسعه، نسبت به این روابط با کشورهای سرمایه داری امپریالیستی است.

از یکسو شناخت منافع واقعی ملی، بدور از هر گونه تعصب و پیشداوریهای ضد کمونیستی و تنگ نظریهای ناسیونالیستی و عقیدتی در نزد کشورهای در حال توسعه، و از سوی دیگر رشد روز افزون توان اقتصادی و امکانات فنی و تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی موجب گردیده است که روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی کشورهای در حال توسعه با کشورهای سوسیالیستی سال به سال گسترش یابد.

در اوائل سالهای ۶۰، کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی با ۲۴ کشور در حال توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی داشتند و در زمینه های فنی با آنها همکاری میکردند. اکنون تعداد این کشورها به ۱۰۶ کشور رسیده و حجم معاملات بازرگانی و اقتصادی با آنها سی برابر شده است.

کشورهای سوسیالیستی، برخلاف دول امپریالیستی که تلاش دارند کشورهای در حال توسعه را با صدور سرمایه و کالا و استثمار منابع طبیعی و انسانی، غارت کنند، در روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی خود با کشورهای در حال توسعه، به تقویت بنیه اقتصادی، ایجاد پایه های صنعتی و منابع انرژی، پرورش کادرهای متخصص فنی و فراگرفتن تکنولوژی معاصر در این کشورها کمک می کنند.

# نیکاراگوئه :

## اتحاد نیروهای خاق ضامن پیروزی انقلاب

جارجوب "جبهه" ساندینیست آزادی ملی را برگزیدند و آنرا با اتحاد خویش تحکیم بخشیدند. امری که بگواهی تاریخ، بعدها خویش را بمنابیه بنیادی ترین عامل پیروزی بنیوت رسانید.

یکی از چشمگیرترین رویدادهای روند مبارزه "جبهه" ساندینیست، اشغال "کاخ ملی"، یعنی مقر "پارلمان" کذایی سوموزا و برخی دیگر از ادارات او بود. در روز ۳۱ مرداد ۱۳۵۷، یک گروه کماندویی مرکب از ۲۶ نفر از اعضای "جبهه" ساندینیست در حمله ای شهادت آمیز، تقریباً همه وزیران و نمایندگان "پارلمان" نیکاراگوئه را دستگیر و با گروهی از میهن پرستان زندانی معاوضه کردند. این اقدام سبب شد که محبوبیت "جبهه" ساندینیست در میان مردم افزایش یابد، پایه اجتماعی آن گسترش پذیرد و شور انقلابی مردم بالا گیرد.

در شرایط جدید مبارزه، قیام مسلحانه مردم نیکاراگوئه در پاییز ۱۳۵۷ آغاز گشت. میتوان گفت که در این مرحله، "جبهه" ساندینیست آزادی نیکاراگوئه به مهم ترین عامل سیاسی و نظامی نیکاراگوئه مبدل شد.

در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۵۸، "جبهه" ساندینیست بیست و یک گروه را در سراسر کشور آغاز کرد. اعتصاب همگانی ۱۴ خرداد به این پیشتاز بس توان بخشید. اواخر خرداد و اوایل تیر بخش مهمی از شهرهای نیکاراگوئه، مانند استلی، ماسایا، لئون و گرانادا زیر کنترل ساندینیستها بود. روز ۱۸ تیر، حمله برای تصرف ماناگوئه شروع و روز ۲۸ تیر بونگرهای ویژه سوموزا تسخیر شد.

پس از سرنگونی رژیم سوموزا، مرحله ای نو در تاریخ بیکار "جبهه" ساندینیست آزادی ملی آغاز گشت. "جبهه"، رهبری همه نیروهای هوادار دگرگونیهای دموکراتیک و مسئولیت گسترش دست آوردهای انقلاب را بدست گرفت. اکنون کوشش می شود که "جبهه" ساندینیست، با تبدیل به پیشاهنگی متشکل و منسجم، هر چه بیشتر با سخوی نیازمندیهای روند انقلاب نیکاراگوئه گردد.

کمونیستهای نیکاراگوئه در بیکار مسلحانه و آزادی بخش علیه رژیم سوموزا پیوسته نقشی برجسته ایفا کرده اند. آنها که همواره از جانبازان صفوف پیشاپیش مبارزان ضدامپریالیسم و ارتجاع بوده اند، امروزه نیز در جارجوب "جبهه" ساندینیست آزادی ملی و دوش بدوش همه سازمانهای ملی و ضدامپریالیست نیکاراگوئه با پاسداری از انقلاب نیکاراگوئه و دستاوردهای آن و بازاری ملی به وظائف میهن پرستانه خود ادامه می دهند.

همانگونه که اتحاد وسیع ترین نیروهای خلق و سازمانهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک آنها پیروزی انقلاب نیکاراگوئه را میسر ساخت، اتحاد این نیروها و سازمانها - مسیحیان، سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، کمونیستها و عناصر مترقی بورژوازی ملی و سازمانهای آنها - در مرحله گنونی گذار و نوسازی نیز، تنها ضامن تداوم روند انقلاب خواهد بود.

"جبهه" ساندینیست آزادی ملی (فرزند ساندینیستادلیبراسیون ناسیونال) نیکاراگوئه را کارلوس فونسا، توماس بورخه و سلویویا یورخا، در سال ۱۳۴۰ پایه گذاشتند. از این سمت، تنها توماس بورخه، وزیر کشور کنونی نیکاراگوئه، پیروزی انقلاب و احراز حکومت را بچشم خود دید و دو رزمنده دیگر، در جریان بیکار رهایی بخش مردم نیکاراگوئه، که نزدیک به بیست سال طول کشید، جان سپردند.

نام "جبهه" ساندینیست آزادی ملی از آوگوستو سزار ساندینو، قهرمان توده های نیکاراگوئه گرفته شده است، که در صدر سپاهی خلقی، در سالهای ۱۲-۱۳۰۶، مقاومتی حماسه آفرین را علیه نیروهای مداخله گر ایالات متحده آمریکا رهبری می کرد. وی در سال ۱۳۱۳ بدست آناستاسیو سوموزا، پدر دیکتاتور مخلوع نیکاراگوئه، نامردانه به قتل رسید.

در مراحل نخستین فعالیت "جبهه" ساندینیست آزادی ملی، فزون بر مارکسیست - لنینیستها، عناصر ملی دیگری نیز در آن شرکت داشتند. از آنجا که رژیم ترور و خفقان هیچگونه امکانی را برای ابراز کوچکترین نظر انتقادی و بیکار علنی باقی نگذاشته بود، هواداران "جبهه"، مبارزه مسلحانه را بمنابیه تنها راه سرنگونی رژیم تجویز و ترویج می کردند.

"جبهه"، که نخست از پایه توده های چشمگیری بهره مند نبود، علیرغم نداشتن سلاح کافی و تجربه نظامی، در همان ماههای نخست پس از بنیانگذاری، به چند حمله مسلحانه به یگانهای ارتشی و ربودن چند تن از پشتیبانان برجسته رژیم سوموزا دست زد. "جبهه" ساندینیست، گرچه از این راه توانست نام خود را در داخل و خارج، بروی زبانها بیاندازد و محبوبیتی نیز بدست آورد، اما بطل نامبرده، همچنین مجبور به جانبازیها و دادن تلفات بسیار گردید.

با تعمیق بحران سیاسی و اجتماعی رژیم سوموزا و گسترش مبارزات روشنگرانه "جبهه" ساندینیست آزادی ملی، قشرهای هر چه وسیع تر از مردم نیکاراگوئه به ضرورت سرنگونی رژیم دست نشانده، ورشکسته و خودکامه اعتقاد یافتند. آنها بویژه به این ضرورت آگاهی یافتند که تنها با اتحاد عمل و تشکل همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضد دیکتاتوری است که می توان بساط رژیم منفور و غارتگر را برچید و انقلاب نیکاراگوئه را به سرانجام پیروز رسانید.

این اعتقاد، که در میدان آتش و خون و رویی با دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم استبدادی و شناخت توان اتحاد بدست آمده بود، در روی آوردن هر چه بیشتر سازمانهای ضدامپریالیستی، خلقی و دموکراتیک به "جبهه" ساندینیست تبلور یافت. مسیحیها، سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، کمونیستها و حتی بخش بزرگی از سازمانهای نماینده بورژوازی ملی، اختلافات عقیدتی خویش را کنار گذاشتند و با حفظ استقلال سازمانی و آرمانی برای پیشبرد هدف مشترک،

# مردم قبرس از تبدیل کشور خود به زرادخانه شناور بیمناکند

پانوس پاراسکا وایدس، نماینده پارلمان قبرس ورشیش کمیته آوارگان، این واقعیت را خا طرنشان ساخته است که، پایگاه های نظامی بریتانیا، خطری دائمی برای قبرس بشمار می آید. وی، ضمن اشاره به تجاوز فزاینده امپریالیسم، افزود:

"ما قاطعانه خواستار برچیدن پایگاه های نظامی بریتانیا و خروج نیروهای بیگانه از قبرس هستیم."

کریستوس توموس، بزرگ اسقف کلیسای قبرس، اظهار داشت:

"خواستار حل مشاجرات از راه صلح جویانه، بهمان نماند زه که برپایه اصول مسیحی صلح و عدالت استوار است، پاسخگوی آرزوی انسانها برای استقرار جوتنش زدا بیی همکاری است."

ما مسیحیان قبرس، هم برای صلح وهم در راه عدالت می زیمیم، زیرا یکی از دیگری جدا نیست. مسئولیت مسیحی ما ایجاب می کند که در برابر مسایقه تسلیماتی مقاومت و رژیم، زیراجهانی مملو از جنگ آزار، نه تنها زندگی ما را امن تر نخواهد ساخت، بلکه

تنها موجب نا ایمی خواهد بود."

"قبرس، بعنوان کشوری کوچک، واقع در منطقه ای حساس از جهان" در برابر برهبر کوشی، مبنی بر تبدیل به پایگاه "نا تسو" علیه کشورهای عرب مقاومت خواهد کرد."

دکتروا سوس لیساریدس، صدر "اتحادیه دموکراتیک مرکز" (ادک) قبرس اعلام داشت:

"قبرس، بعنوان یک عضو فعال جنبش غیر متعهدها، اجازه نخواهد داد که امپریالیسم ایالات متحده آمریکا از جزیره ما برای پیش برد سیاست تجا و زکا رانه خویش سوء استفاده کند."

ما با همه نیروها تلاش ایالات متحده برای استفاده از پایگاه های نظامی قبرس علیه کشورهای نفت خیز خا و رنزدیک و کشورهای سوسیالیستی به مقابله برخواهیم خواست."

بسیاری از سیاستمداران قبرس، با وقوف به موقعیت حساس کشور خود، خواهان آن هستند که سیاست تنش زدا بی بین المللی ادا مایابد. برای نمونه پرزیدنت اسپرویس کیپرینا نوا اعلام داشت:

"برای اینکه بشریت در صلح زندگی کند و از زکا بوس جنگی دهشتناک آزاد شود، لازم است که تصمیمات هلسینگی اجرا گردد."

"مدتهاست که هواپیما های جاسوسی "یو-۲" ایالات متحده آمریکا در پایگاه های بریتانیا در قبرس مستقر است. مقصد این هواپیما ها کشورهای عربی است، اما عملیات شان همچنین متوجه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. بموجب اطلاعات ما، دستگاه های الکترونیکی را، که در زمان شاه در ایران بود، اکنون به پایگاه های بریتانیا در قبرس منتقل کرده اند. علاوه بر این، خیرداریم کمیخی دیگر از این تجهیزات نیز در شمال جزیره ما، که اینک با شغال ترکیه درآمده، استقرار یافته است. بسخن دیگر، بیمناکیم که جزیره ما به پایگاه برای اعمال سیاست تجا و زکا میزبان ایالات متحده تبدیل گردد، اما هیچگاه اجازه نخواهیم داد که خاک ما خاستگاه تعرضی علیه هیچ کشوردیگر جهان باشد."

نیکوس رولاندیس، وزیر خا رجه قبرس، در مصاحبه ای اظهار داشت که:

دستگاه های غول پیکر ادا در دریا یگاه نظامی بریتانیا، "دکلیا"، در دریا یگاه "گرکو"، واقع در قبرس، نمایانگر اهمیت بسزایی است که کشورهای امپریالیستی برای مدیریت آن خا وری، سراسر منطقه خا ورمیانه و در نتیجه قبرس، از نظر نظامی و استراتژیک، قائل هستند. چنانکه مجله قبرسی "دموکراسیا"، ماهنامه "حزب ترقی خا و زحمتکشان" (آکل)، چندی پیش نوشت:

"ایالات متحده آمریکا میخواهد از پایگاه های خود دیگر کشورهای "نا تسو" در مدیترانه برای ما موریتها یخبیاهی استفاده کند."

بنوشته این مجله، مردم قبرس از اینکه در این زمینه از پایگاه های نظامی بریتانیا در این جزیره دریای مدیترانه نیز سخن برده می شود، بس نگرانند و می افزاید که، ظاهراً یگان های واکنش سریع نیز، "که واشنگتن برای ما جرجوبیهای خویش در خا ورمیانه خا و رنزدیک پدید آورده است"، در قبرس مستقر خواهد گردید.

پس از انقلاب ایران و سرنگونی رژیم شاه، اهمیت استراتژیک قبرس برای امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا بس افزایش یافت. چنانکه زکیاس پاس پاس - شیوانو، دبیرکل "آکل"، چند هفته پیش اعلام کرد:



# سیم آخر...

از نامه محرمانه برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر به وزیر خارجه سابق آمریکا، فاش شده توسط آقای بنی صدر رئیس جمهوری:

**«رئیس جمعیور (کارتر) معتقد است که اقدامات مورد نظر می بایستی با هماهنگی وزارت دفاع و سایر ادارات و مؤسسات... صورت پذیرد... لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمعیور (کارتر) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمعیوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد...»**

و درایت ادا می دهد. در این مورد است که هر ایرانی انقلابی و مترقی وظیفه دارد با تمام حس مسئولیت، تجربه های همین یکسال اخیر، پس از نامه محرمانه برژینسکی را به بیاد آورد و هشیار شود؛ مبادا با زهم مرحله جدیدی از توطئه براندازی در حال تکوین است، که با چنین به سیم آخردنیایی زمینه ها و جو مورد نظر تدارک دیده می شود؟ تمام خطر در اینجا است که قطب زاده خود را زیرسپر - همان طور که خودش نوشته - "نمایند" نوپا ترین جمهوری جهان " معرفی می کند. تمام خطر در اینجا است که اجرای نقشه استراتژیک "نامه" محرمانه کاخ سفید، از موضع این "نمایندگی" انجام میگیرد، تا بعداً کترکا را باشد، با این امید واهی، که به نیروی تحریک و تفتین و دروغ گفتن و تهمت زدن و عصیان کردن، به هدف "پایان حمایت سیاسی" دست یابد. کار برنا مریزان با یسدخت زار شده با شد در اینهمه تحریکات شبانه روزی خود با بد سخت دچا رنا کامی شده با شده که حالا به "نمایندگی" رسمی و نه به یک عنصر فردا انقلابی شناخته شده، با فلان روزنامه نویسی یا راجل فراری وساکن متوسل شده اند! (بی چاره قطب زاده حتی نمیداند که جمعیوری اسلامی ایران نوپا ترین جمهوری جهان نیست، بلکه چندین کشور در این یکسال و نیمه مستقل و جمعیوری شده اند که نوپا تر از ما هستند. عظمت و اهمیت ما هم در نوپا بیسی جمعیوری اسلامی ایران نیست، بلکه در عمق ما هیت انقلاب بزرگی است که شدیدترین ضربه ها را به یکی از عمده ترین پایگاه های امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا وارد ساخت و نه فقط در تاریخ کشور ما، بلکه در منطقه (سراسر) آغاز تحول بخش مرحله نوینی گردید.)

خطرا اینجا است که مقام رسمی "نمایندگی" همواره کوشیده است جو مورد نظر آمریکا را، در حاشیه ترین لحظات بویژه بلافاصله قبل از توطئه ها و تهاژها، بوجود آورد. ایجاد "تیرگی" در روابط و "قطر رابطه" همواره هدف اصلی او بوده و هست. در حالیکه بهبود و تحکیم روابط بر عهده اوست، اما چه کند که نامه "محرمانه" سوء ظن و عدم اعتماد و پایان حمایت سیاسی را دستور میدهد. او در عمل و در حرف به دهل تهدید به تیرگی میگوید، در حالیکه حجت الاسلام ها شمرقسنجانی، رئیس مجلس شورایی اسلامی ایران، در پاسخ به این پرسش که: "آیا روابط ایران و شوروی به تیرگی گرایده یا نه؟" با آرامش پاسخ داده است: "من از روبرو تیرگی گذاشتن روابط چینیستی نمی بینم، روابط همان است که بود."

بخوبی پیداست که دست های بی ما صاحب مسئولیت های حساس در "سیا" ست خارجی، میخوانند و میکوشند که اینطور بنام شد و روابط روبرو تیرگی گزارد. آن چنان شود که کارتر برژینسکی طلب کرده اند. زاده نشا نمیدهد که در ۲۵-۲۰ سال اخیر هیچ چیز فراتر گرفته و چیزی را هم از یاد ندیده است. نشان میدهد که همان جوانکندانگشته جرج تاون دیده و فرنگستان گذراننده ای است که در سطح تحریکات ضد توده ای مبتذل گوشه "کافه تریا" ها با قیما نده و نتوانسته است از هیچ تجربه ای، حتی تجربه شرکت در مقامات حساس سیاسی از انقلاب، - چیسیزی هم موزد، و در عین حال از آنچه که طی این مدت جراید امپریالیستی و خبرگزاری های صهیونیستی و امپریالیستی گفتنند، و از آنچه که بخصوص ساواک شاه سابق و تمامی دستگاه تبلیغاتی پهلوی طی ۲۵ سال در آن استاد بوده "استاد" بیرواند، چیزی را فراموش نکرده است. همانی که بود، باقی مانده.

"نامه" متضمن توهین به قدیمی ترین حزب سیاسی ایران است؛ برای زحش به حزب بی است که صدها نفر از بهترین رهبران

و اعضای در راه استقلال و آزادی ایران شهید شده اند و صدها نفر از اعضا و رهبران سالهای سال در سیام چالها، زندانها و شکنجه گاه های ساواک، چون کوه استوار ایستادند، در مکتب رزم مردم تربیت شدند و به طاعت نسه گفتند، شراراز ناسزا به حزبی است که بیگانه و مستمراز انقلاب و جمعیوری اسلامی ایران پشتیبانی میکند و بطور موثر و عملی و با نتایج مشهود و ملموس، تمام نیروی خود را در خدمت تعمیق و دفاع از انقلاب ایران و در خدمت نجات جمعیوری اسلامی ایران از توطئه های دشمن گذار و مکار، که در همه جا عوامل و سرسپردگان خود را دارد، قرار داده است.

این "سرما" به سیاسی خوش بینی برای جناب قطب زاده نیست، قبل از او همین راه را تیموریختیا رها و شوربختیا رها، پهلویها و نمیریها، آزمونها و نیک خواهها، آزمودم ها و اویسیها، امیرانتظامها و مقدم مراغه ای ها رفته اند، به این دو جمله توجه کنید: "ستون پنجم خود، یعنی حزب شناخته شده ای را تجدید سازمان نموده، تا در تحریک و اینجا دا اختلاف... از هر جهت مجهز باشد" "ستون پنجم استعمار از درون به تضعیف نیروی ملی در مقابل با استعمار رگسران می پردازد".

فکر می کنید کدام یک از این دو جمله را قطب زاده در "نامه" منتشره در ۵۹/۱/۲۳ نوشته و کدام یک از سرفقاله "ایران نوین" ۱۵ مرداد ۵۹ نقل شده است؟

گویا ابردستی هر دو را از سر و ته یک کرباس بریده است... فقط این دومی در نبرد با حزبی که آرزویش خدمت به مردم زحمتکش و به استقلال و آزادی ایران است، تا آنجا که میبایست رفت و نوشته که با درهم کوفتن توده ایها، "با استظهار به نظام پر قدرت شاهنشاهی و با انکاء به رهبری دایمانه شاهنشاه، در میان توفانهای مهیب، بسوی اعتلاء و سر بلندی و احیاء عظمت ایران ره گشود!" ولی آن اولسی هنسوز جرات نکرده با آن حد و آشکارا با مرغ طوفان (!) هم آوایی کند. دشمنان انقلاب ما، از هر رنگ و با هر نامی، صراحتاً و با رها گفته اند که هدف توطئه های سرکوب آنها - هواداران واقعی و صمیمی امام خمینی و اعضا و هواداران حزب توده ایران هست.

نمی توان گفت که قطب زاده تنها در هیستری عمل توده ای خود کوراست و از روی نادانی عمل میکند، او همانند و پیگیر مسی ای را دنبال می کند که دقیقاً با نامه محرمانه برژینسکی میخوانند و باب طبع آنها بی استعداد آرزوی نظام پر قدرت (!) شاهنشاهی آه میکشند و ناله می کنند.

این هم زیا دجی تحجب ندارد. خود او در این نامه "سیا" مستدارانه با "فراحت انقلابی" "خویشتر را لومیدهد. در کشوری که تمام مردمش، برهبری امام، علییه امپریالیسم آمریکا و کلیه مستکبرین و انحصارات امپریالیستی و صهیونیستی بسپا خاسته و سنگ بر روی سنگ تبلیغاتیات دروغین امپریالیستی "جهان آزاد" باقی نگذاشته اند، ناگهان وزیر خارجه جمعیوری اسلامی ایران، با "صراحت" از خود بیخود میشود و در بند قسمت دوم "نامه" خود مینویسد: "پول رایج روسیه برخلاف کشورهای آزاد دنیا در خارج از آن کشور ارزشی ندارد!"

صحبت بر سر اینست که چگونه وزیر و "نمایندگی" جمعیوری اسلامی ایران، یعنی کشوری که میخواند زنده سیستهمه بهره کشی و استکبار کشورهای امپریالیستی جدا کند و نمی خواهد سر به تن هیچکدامشان باشد، خود را جازه میدهد که این کشورها را "آزاد" بنامد، برای قطب زاده که در جرج تاون چشم پیسه دنیای "سیا" ست گشوده و دریای "تخت های اروپای غربی بزرگ شده، ایالات متحده و ژاپن و فرانسه و انگلستان، "آزاد" بشمار میروند، آخر مگر نه این است که پول رایجشان در خارج ارزش دارد! دست سرزاده این مدعی انقلاب و صراحت انقلابی!

قطب زاده که خموشش با دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و کوششهایش برای "حل" آمریکا بی پسند مسئله "گروگانها" و از جمله جعل اخبار، نامه ها و پیاپیها، بسر کزی پوشیده نیست، حالا آنها را دانشجویان عزیز و گمنام "مینامد. ازکی تا بحال دانشجویان، که گاه سوسخانه را تصرف کرده اند، برای قطب زاده "عزیز" شده اند؟ مگر کسی فراموش کرده است که وی، در مقام تمسندی تلویزیونی و سپس وزارت خارجه، چه خرابکاریها و حتی توهین ها در حقیقت دانشجویان مسلمان بیرو خط امام روا داشت و آنها را به "بی مالیتی و ابتذال" متهم کرد؟ وی حتی در منشاء و انگیزه عمل آنها تردید نکرد و در اوج حمایت عمومی مردم از آنها، نخستین ضربه را بر آنها وارد ساخت. در حالیکه امام خمینی با رها گفته بود، این "جوانها ما را سرفراز کردند". آقای قطب زاده گفت: (کیهان ۱۹ اسفند ۵۸) "مبارای آن آقایانی که آنجا هستند اما ملت و اهلیتی قائل نیستیم

## رفتار غیر مسئولانه برخی از افراد سپاه پاسداران در ستمز در شان انقلاب نیست

رفیق منصور برهون را آزاد کنید!

در تاریخ ۵۹/۴/۱۵، یکی از هواداران حزب توده ایران بنام محی الدین وکیلی، به "جرم" داشتن یک شماره "نامه" مردم" در سفر بازداشت شد و ۱۸ روز در بازداشتگاه بسربرد.

روز ۵۹/۴/۳۱، یکی دیگر از هواداران حزب توده ایران، بنام منصور برهون، به "جرم" فروش روزنامه قانونی و علنی نامه "مردم" در سفر بازداشت شد و تاکنون در بازداشتگاه بسر می برد.

حوادث فوق در سفر روی داده است و متأسفانه نمایانگر عدم شناخت بعضی از مسئولین اردوستان و دشمنان انقلاب شکوهمند ما است.

حزب توده ایران به شهادت ۳۸ سال مبارزه پیگیر خود برای آزادی و استقلال ایران و به شهادت صدها سند، اطلاعاتیه و بیانیه، از آغاز انقلاب شکوهمند ایران تاکنون، در ستمزد دفاع پیگیر از انقلاب و دستاوردهای آن قرار داشته است.

سازمان حزب توده ایران در سفر دردمت یک سال و نیم که از انقلاب میگذرد، با توجه به ویژگی منطقه کردستان، نیروی راستین مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران بوده است.

آنچه مایه حیرت و تأسف است، برخورد نادرست بعضی از پاسداران انقلاب در ارتباط با فعالیت قانونی رفقای هوادار حزب در سفر است. این برخوردها تاکنون منجر به دستگیری دو نفر از هواداران حزب و بازداشت یکی از آنها تا این تاریخ شده است.

به مناسبت بازداشت غیرقانونی یکی از هواداران حزب، سازمان حزب توده ایران در سفر نامه ای به نماینده دادستان انقلاب اسلامی ایران - استان کردستان تسلیم کرده و در آن آزادی رفیق بازداشت شده را خواستار شده است.

ما از مقامات مسئول می خواهیم که مانع ادامه رفتار غیرمسئولانه برخی از پاسداران شوند و سرپا برای آزادی رفیق منصور برهون اقدام نمایند.

بیشترین افشاگرها... بدون نظارت... مرجعی ملاحظیت دار... بوده و غالباً مبتذل است.

آیا وی تزویر نمی کند که حالا آنها را عزیز میخواند؟ قطب زاده چه کسی را میخواند خوب کند؟ خودش خوب است و فکر می کند که میتواند دیگران را، با تزویر، خوب کند.

کارنامه "قطب زاده" را، لااقل در دوران وزارت امور خارجه اش، کمتر کسی است که نداند. روز ۱۴ تیرا و رقی از آنرا، متضمن اسناد و مدارک، در نامه "مردم" منعکس کردیم، که مراجه مجدد به آن بسیار آموزنده است، کارنامه کسی که نامه رسمی پنجشنبه با اطلاع افکار عمومی ایران میرسد، ولی از دو روز قبل روزنامه "واشنگتن استار" چاپ... ایالات متحده آمریکا آنرا منتشر و تفسیر کرده بود!

بسیار رندکسانی که میگویند: چه حیف که آدمی چنین سطحی و حقیر بتواند مدعی شود که "نمایندگی" انقلابی به این عظمت و عمق است، ولی او نماینده انقلاب ما و جمعیوری اسلامی ایران نمی تواند باشد، "سیا" ست و تحریف کننده، ما هیت انقلاب ما و مسخ کننده جمعیوری اسلامی ایران است، مبرم تر و حادث تر و حتی تر آنکه، سیاست و فعالیت او برای این انقلاب و جمعیوری و سرنوشت آن خطرناک است، زیرا که در خط آمریکا ست. "نامه" شدیداً لحن "قطب زاده" هم درست در جهت نامه "محرمانه" برژینسکی است، نکته به نکته، دستور العمل های آن را اجرا میکند و موبه موبه منافسعه امپریالیسم آمریکا میخواند.

ولی مطمئناً قطب زاده کوچکتر از آنست که بتواند دستور العمل نامه محرمانه برژینسکی را اجرا کند. او بدون تردید موفق نخواهد شد که دوستان انقلاب ایران را تحریک و عصبا نکند، سوء ظن و عدم اعتماد بیا فریند و جو مورد علاقه آمریکا را ایجاد نماید. ما مطمئن هستیم که هیچگونه تحریک و فتنه انگیزی، هر قدر هم "استادانسه" تنظیم شود - تشبثات کودکا نه و سبکسرانه - قطب زاده که جای خود دارد - نمیتواند اتحاد و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و نهضت های اصیل فدا امپریالیستی و انقلاب های بزرگ عصر ما را علیه دشمن مشترک آنها، امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا درهم شکند. دوستی و همکاری انقلاب ایران و مردم انقلابی ما با دولت مردم اتحاد شوروی، در نبرد اصولی آنها، علییه امپریالیسم، بقدری بزرگ و ریشه دار و روحیاتی است، که قطب زاده آدمی، اصولاً نمیتواند مانعی در راه آن بجا بآید.

بدون تردید انقلاب ایران، در روند متعالی خویش، هر خن و خاشا کسکی را از سر راه خود بکنار خواهد زد.

## تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

این جملات بخشی از دستورا العمل استراتژیک گردانندگان کاخ سفید برای توطئه های براندازی علیه انقلاب ایران و سرنگونی جمعیوری اسلامی است.

موظنان، انقلابیون، علاقمندان به سرنوشت انقلاب! تجربه ثابت می کند که با یدهشاری را صدچندان کنیم، توطئه جدیدی در راه است. مسلماً مرحله تازه ای از برنامه استراتژیک براندازی، که کاخ سفید امپریالیسم سیاه دل آمریکا تدوین کرده، در کار تدارک و اجرا است. همیشه اینطور بوده، در این یکسال و نیم، هر وقت مرحله تازه، یا حمله خطرناک، یا توطئه شومی علیه موجودیت جمعیوری اسلامی ایران، علیه انقلاب ما و استقلال کشور در جریان بوده، بعنوان زمیننه تدارکاتی، اقدامات و تحریکاتی که مطابق با نامه محرمانه برژینسکی و دستورا العمل فوق الذکر بوده، روی داده است، و سپس یک کارزار خرابکاری وسیع، یا یک پیاده کردن نیروی نظامی در طبعس، یا یک توطئه مرکب از پایگاه همدان، سازمان داده شده است.

حالا هم، آنچه برخی از روزنامه ها "نامه" شدیداً لحن قطب زاده به وزیر خارجه شوروی" نامیده اند، نشان میدهد که زمینه های دارد چیده می شود. این نامه طابق النعل بالنعل با لیل برای دستور العمل مذکور میماند. گویی یکی از اقدامات مورد نظر "سیا" است که میبایستی با هماهنگی وزارت دفاع آمریکا و سیا صورت پذیرد، تا آن "جو سوء ظن و عدم اعتماد" ایجاد و مورد بهره برداری قرار گیرد.

در آستانه رویداد اردیبهشت ماه - طبعس و در آستانه رویداد تیرماه - همدان، باز هم قطب زاده دور فراوان برداشته بود و با گردوخاک کردن زمین چینی، تدارک جو مورد نظر را وجه "همت" خود قرار داده بود، او حالا دیگر، در آخرین روزهای وزارتت، به سیم آخردنه است و در او اسپین نفس نفس زدنهای خویش، در سراشیب تند "نه شرقی، فقط غربی"، از قاف می که هنوز هم دارای آنست، تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم "جمعیوری اسلامی ایران" سوء استفاده می کند. آیا در آستانه کدام رویداد قرار داریم؟

آنچه که در این نامه مربوط به دولت اتحاد شوروی، همسایه ما، دوست صدیق مردم ایران و حامی راستین انقلاب بزرگ ما می شود، مطلبی است که مقامات خود آن دولت، اگر لازم و سزاوار بدانند، به آن پاسخ خواهند داد.

ولی در این نامه مسائلی مطرح است و بنحوی مطرح است و از جانب مقامی مطرح است که مربوط به همه ایرانیان طرفدار انقلاب و استقلال میشود، به همه کسانی که مخالف با اجرای نقشه های کارتر و دستور العملهای برژینسکی هستند، و در این مقطع، مطالب نامه "قطب زاده" به سرنوشت انقلاب ما و به توطئه ها و تدارکات زمین و جو توطئه های آمریکا می برسیبوت می شود، زیرا این مطالب چیزی نیست جز تحریک، اخلال، ایجاد محیط بدبینی، ایجاد جو عدم اعتماد، کوشش برای سلب هرگونه "حمایت سیاسی از جمعیوری اسلامی"، ایجاد تیرگی در روابط، منزوی کردن ایران و انقلاب آن و فراهم کردن کلیه شرایط، طبق نسخه "نامه" محرمانه برای ضربات براندازی - البته برپایه دروغ، ناسزا و تهاجم.

اگر مطالب "نامه" این محتوی و هدف را نداشت، اصلاً شایسته کمترین توجهی هم نمی بود. "نامه" فرق چندانی ندارد با یک مقاله تحریک آمیز و مبتذل، مملو از دروغ، ناسزا و تهاجم، که در فرنگستان، یک "آقا زاده" و وقیح طرفدار بختیار سرسیری می نویسد، یا یک گوینده جلف رادیوی فدا انقلاب هوادار اویسی، هر روز دهها نظیرش را میخواند.

ولی اینجا سخن برسرسی است که "هنوز" وزیر خارجه هست، آنهم وزیر خارجه جمعیوری اسلامی ایران، کشوری که انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی را زیر رهبری امام خمینی، با آنهمه شکوه و ملامت انجام داد، و با اینهمه پیگیری



### صهیونیست‌های اسرائیلی اقدامات تجاوزی خود را گسترش میدهند

صهیونیست‌های تل آویو، علی‌رغم اعتراض گسترده جهانی با کمال گستاخی سیاست تجاوزکارانه خود را در سرزمین‌های اشغالی عرب اجرا می‌کنند.

دولت تل آویو برنامۀ ضبط و تصرف اراضی وسیعی در کرانه غربی رود اردن را اعلام کرده است. قرار است در این اراضی جاده‌ای، که نابلس را به آب‌آبادی شبه نظامی الون موره متصل کند، ساخته شود.

صهیونیست‌های تل آویو با غصب اراضی ساکنان عرب، آب‌دهی‌های شبه نظامی یهودی نشین در کرانه غربی رود اردن ایجاد می‌کنند.

از سوی دیگر گزارش‌های رسیده از کرانه غربی رود اردن نشان می‌دهد که جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی عرب، که در زندان‌های دژخیمان صهیونیست دست به اعتصاب غذا زده‌اند، گسترش می‌یابد. صدها تن از زندانیان سیاسی عرب، چند هفته است که در زندان‌های اسرائیلی دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

### همکاری رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل

همکاری‌های رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل، بویژه در زمینه نظامی، روز بروز گسترش بیشتری می‌یابد.

در پایان دیدار "یاربو"، ژنرال باز-نشسته اسرائیلی از افریقای جنوبی، گفته شد که معاملات تسلیحاتی دو کشور در سال‌های آینده به میزان چشمگیری افزایش خواهد یافت. "یاربو" بگفته خود برای "آشنایی با جریان‌های فنی و نظامی افریقای جنوبی به این کشور سفر کرده بود.

در سال‌های اخیر رژیم‌های اسرائیل و افریقای جنوبی، که هر دو از حمایت قاطع آمریکا برخوردارند، یک رشته فعالیت‌های گسترده را در زمینه صنعتی و نظامی آغاز کرده‌اند. افریقای جنوبی، که دارای منابع غنی فلزات گرانبها از جمله ورنیوم است، مواد اولیه مورد نیاز اسرائیل را، بویژه اورانیوم، کرم و غیره فراهم می‌کند و اسرائیل نیز در زمینه‌های تسلیحاتی کمک‌های قابل ملاحظه‌ای دریافت می‌کند. پرستان پرتوریا قرار می‌دهد.

دیدار ژنرال باز-نشسته اسرائیلی از افریقای جنوبی، نگرانی مردم افریقا را دوچندان کرده است.

### تجاوز مسلحانه چین به مرزهای ویتنام

در هانوی، گزارش تحریکات مسلحانه چین در مرز ویتنام در دوروز اول ماه اوت، منتشر شد.

بموجب این گزارش، در این مدت سربازان چینی چند بار به روستاهای ایالت‌های مرزی ویتنام، از جمله ایالت فوانگ سن حمله کردند و دهها خانه روستایی را ویران ساختند. هواپیماهای نظامی چین نیز بارها به حریم هوایی ویتنام تجاوز کردند و کشتی‌های چینی نیز وارد آب‌های سرزمین ویتنام شدند.

### کنگره حزب کمونیست ونزوئلا

### تلاش امپریالیسم؛ سرکردگی امپریالیسم آمریکارا برای احیاء جنگ سرد محکوم کرد

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا، در کاراکاس به کار خود پایان داد. سخنرانان در کنگره ضمن اشاره به اوضاع جهانی اعلام کردند که امپریالیست‌ها، و در درجه اول امپریالیست‌های آمریکایی، تلاش می‌کنند که اوضاع جهانی را متشنج سازند و جهان را به دوران جنگ سرد بازگردانند.

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا در قطعنامه خود از مبارزه خلق افغانستان برای ساختن زندگی نوین حمایت کرد و توطئه امپریالیسم جهانی و ارتجاع بین‌المللی را علیه انقلاب افغانستان محکوم ساخت.

کنگره اعلام کرد که دولت افغانستان مانند دولت مستقل ملی دیگر نمیتواند برای دفع تجاوز و بی‌شرمانه‌خارجی در چهارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از کشورهای دوست تقاضای کمک کند.

کنگره، همبستگی کمونیست‌های ونزوئلا را با مردم بولیوی و السالوادور، که علیه رژیم‌های نظامی دست‌نشانده مبارزه می‌کنند، اعلام داشت و در عین حال خواستار همبستگی بیشتر جهانی با مبارزه

## استیضاح پارلمانی کمونیست‌های یونان درباره شرکت دولت یونان در تجاوزات آمریکا علیه ایران

با دولت یونان نیز دیدار کرده‌اند و ضمن توضیح نظرات دولت آمریکا، خواست تفاهم و پشتیبانی آنرا مطرح ساخته‌اند.

با ازدولت می‌خواهیم که به احساسات عمومی پاسخ گوید، منافع ملی ما را در نظر گیرد، استقلال خویش را از مواضع خطرناک آمریکا اعلام دارد و از توجیه این سیاست دست بکشد.

دولت یونان باید اعلام کند که اجازه نخواهد داد تا از سرزمین یونان برای هیچ‌گونه اقدامی علیه ایران استفاده شود و از شرکت در نقشه‌های احتمالی "جامعه اقتصادی اروپا" و "ناتو" علیه آن کشور خودداری خواهد ورزید. باتوجه به اهمیت موقعیت یونان در نقشه‌های تجاوزکارانه ایالات متحده، چنین اظهاریه‌ای از سوی دولت در حال حاضر خدمت بزرگی به امر دفاع از صلح تلقی خواهد شد.

دولت تاکنون تاکتیک سکوت را اختیار کرده است، که در واقع باعث تشویق ماجراجویان پنتاگون خواهد گشت. از سوی دیگر، نمایندگان یونان در بروکسل، در پشتیبانی دیپلماتیک "ناتو" از اقدام جنایتکارانه کاتر، شرکت ورزیدند.

بنابراین، از وزیر خارجه خواستاریم که در پارلمان به پرسش‌های زیرین پاسخ دهد:

۱- نظر شخصی دولت یونان درباره تجاوز اخیر ایالات متحده به ایران چیست؟

۲- مضمون تاسره‌های نمایندگان دولت آمریکا بادلوت یونان چه بوده و چه پاسخی در پی داشته است؟

۳- آیا دولت یونان پیشنهادها نامبرده را برای اعلام استقلال از تحریکات جنگ افروزان ایالات متحده و پاسداری از صلح می‌پذیرد؟

### ملی کردن شرکت سیمرغ گامی است مثبت در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی انقلاب

شرکت سیمرغ با تولید روزانه ۹۰ تن تخم مرغ و ۶۰ تن گوشت مرغ ملی اعلام شد. ملی کردن شرکت سیمرغ گامی است مثبت در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی انقلاب.

شرکت‌های بزرگ تولیدی با انحصاری کردن بازار فروش و تعیین قیمت کالاهای مصرفی در سطوح بالا و پائین با بازی بسا قیمت‌ها برای ورشکستگی هر چه بیشتر تولیدکنندگان کوچک و پائین با احتکار کالاهای مصرفی عامل رشد ناآرامی‌ها بوده و هستند و با مداخلات جدی که به انقلاب و سالم سازی محیط اقتصادی و اجتماعی می‌زنند، توده‌های زحمتکش را به انقلاب بی‌اعتنا و بی‌اعتقاد می‌سازند.

با ملی کردن شرکت سیمرغ و ادامه تولید در واحدهای تولیدی این شرکت و با برنامهریزی و مدیریت صحیح میتوان گام‌های اساسی در جهت حفظ منافع زحمتکشان برداشت.

این شرکت در زمان رژیم شاه مخلوع بیش از ۶۰۰۰۰ میلیون ریال وام (مطابق با بند ج) دریافت داشته است.

در شرکت سیمرغ، که مجموعاً ۷ واحد تولیدی را در سر کشور در بر می‌گیرد، حدود ۱۰۰۰۰ نفر کارگران و زحمتکشان مشرک شده‌اند.

انحلال بزرگ سرمایه‌داری‌های انحصاری و تقویت واحدهای کوچک و متوسط و ایجاد و تحکیم تعاونی‌ها در این زمینه نیز میتواند راه‌گشای حل مشکلات باشد.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**

**تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است**

### حمله اوپاش به محل فروش نامه «مردم» در ورامین و کتابسوزان

روز شنبه ۵۹/۵/۲۳، ساعت ۷ بعد از ظهر، یکده از اوپاش بی‌مسئولیت به کتابفروشی و محل فروش نامه "مردم" در ورامین، واقع در نزدیکی کارخانه قند ورامین حمله بردند.

بازهم عده‌ای حماقت بدست و عریضه‌جو با یورش وحشیانه خود یکی از هواداران حزب توده ایران را که در محل بود، بسختی مضروب و مجروح کردند و علاوه یک پیرمرد دهقان را که در آنجا حاضر بود و از کتابفروشی در برابر حمله اوپاش دفاع می‌کرد، بشدت کتک زدند و اورانیز مجروح ساختند. اراذل بی‌مسئولیت و عناصر خرابکار برای تکمیل عمل خویش نشریات و کتب را بیرون کشیدند و آتش زدند.

بنابه اخبار واصله در بین حمله کنندگان قانون‌شکن، همان افرادی که قبلاً به فرمانداری نیز یورش برده بودند دیده می‌شدند. آنها از عناصر ضدانقلابی شناخته شده هستند.

تأییدهای قانونی کشور حرمت سخن و اطلاعیه و تصمیم خویش را نگه ندارند و این عناصر را که نیات شوم ضدانقلاب را اجرامی‌کنند و امنیت قضائی را به خشن‌ترین وجهی لگدمال می‌کنند، مجازات نکنند، نظیر اینگونه قانون شکنی‌ها ادامه خواهد یافت و اراذل بادست باز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اطلاعیه‌های عالیترین مقامات قضایی کشور را جسورانه زیر پا خواهند گذاشت.

تخریب، مضروب کردن و آتش زدن، از جمله فاشیست‌بازیهائی است که بهمین علت ادامه یافته است.

### اوپاشان به رفقای حزبی ما در اراک هجوم بردند و آنها را بشدت مجروح کردند.

شب یکشنبه ۵۹/۵/۵، گروهی از جماعتاران مجهز به سلاحهای سرد (چاقو و پنجه‌بکس) به رفقای حزبی ما در اراک، خیابان حجازی، حمله‌ور شدند و عده‌ای از رفقا را بشدت مجروح ساختند.

با وجود هشدارهای مکرر حزب توده ایران به مقامات مسئول برای جلوگیری از فعالیت عناصر مشکوک و ضدانقلابی، که در جهت ایجاد تشنج و ناامنی تلاش می‌کنند، وجود مناسباتی برای رشد فعالیت ضدانقلاب و تحقق توطئه‌های آن ایجاد می‌کنند، باز هم این عناصر جسورانه به اعمال خود ادامه می‌دهند.

برخورد برخی از مقامات متأسفانه غیرمسئولانه و خالی از تعهد به نیازهای انقلاب است. و در سایه همین تعلل‌ها و مسامحه‌کاریهاست که عناصر مشکوک، بدون دغدغه، یورش خود را به نیروهای صدیق انقلاب ادامه می‌دهند.

گروهی از همین عناصر بودند که به رفقای حزبی ما در خیابان حجازی اراک حمله‌ور شدند و ۳ نفر از آنها را با چاقو بشدت مجروح کردند. رفقای مجروح در بیمارستان شهر بستری شدند، یکی از آنها چینی، که توسط رفقای حزبی دستگیر و به کلانتری ۳ اراک تحویل شده بود، بلافاصله آزاد شد.

آزادی این عناصر و عدم پیگیری در تعقیب و مجازات آنها، ضدانقلاب را در ادامه اعمال خود جسارت و وقاحت بیشتری می‌بخشد.

بمناسبت این واقعه نامه‌ای از طرف سازمان حزب توده ایران در اراک به دادستان دادسرای انقلاب اسلامی اراک تسلیم گردیده است، که در آن، بعد از شرح واقعه، تعقیب و مجازات عناصر مهاجم و تشنج ساز خواسته شده است.

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که با تعقیب جدی و پیگیری این افراد مشکوک مانع از لگدمال شدن قانون اساسی و گسترش توطئه‌های ضدانقلاب شوند.

**نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران**

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: **منوچهر بهزادی**

خیابان آذر، شماره ۶۸

محل دفتر نامه "مردم"

فعال در اشتغال عناصر غیرمسئول است